

وزارت تجارت: می‌کوشیم در بازار بین‌المللی جایگاه داشته باشیم



وزارت تجارت و صنایع افغانستان روز سه شنبه با همکاری بانک جهانی پروژه انکشاف مارکیت‌های افغانستان را افتتاح کرد. هدف این پروژه راهنمایی شیوه‌های تولید در نظام اقتصاد بازار است.

این پروژه ۲۲ میلیون دالر هزینه بر می‌دارد و از کمک بلاعوض بانک جهانی تمویل می‌شود.

انورالحق احدی وزیر تجارت و صنایع افغانستان روز سه شنبه در مراسم افتتاح این پروژه در کابل گفت: «این کمک، متشبین افغانستان را در عرصه تجارت و تولید آگاهی می‌دهد. بازاریابی می‌کند و اهمیت استاندارد را برای آن‌ها مطرح می‌کند.»

با تطبیق این پروژه تلاش می‌شود تا محصولات و تولید در افغانستان با معیارهای جهانی آماده گردند.

آقای احدی گفت افغانستان محصولات... ادامه صفحه ۶

کی‌ها از تنش میان ارگ و غرب سود می‌برند؟



آقای کرزی با هم‌کاسه هندن با آی.اس.آی پاکستان، می‌خواهد قبل از برگزاری انتخابات سال ۲۰۱۴، نظامیان خارجی را از افغانستان بپروان کند و مدپریت جامعه را به پاکستانی‌ها واگذارد. البته به این صورت، منافع شخصی آقای کرزی می‌تواند ضامن هود، ولی افغانستان به سمت بحرانی خطرناک و جدگی مرگبارتر از زمان طالبان خواهد رفت

در برگ‌ها

توضیحاتی در مورد «تکمیلی برنامه دانا روها باکر به زلمی خلیل‌زاد»

از دوستی با دین تا دشمنی با فلسفه

انفجار در خلوت آبی نیروانا

سرباز جانی امریکایی اعدام شود

کرزی:

امریکا بر سر معادن افغانستان می‌جنگد

رییس‌جمهور کرزی در سفری به ولایت هلمند گفت است که نظامیان امریکایی در افغانستان و به ویژه در ولایت هلمند، بر سر منابع زیر زمینی کشور می‌جنگند. آقای کرزی در شهر لشکرگاه گفت: «امریکایی‌ها می‌دانند که دولت و مردم افغانستان این را (جنگ بر سر معادن) درک کرده‌اند که نیروهای خارجی برای منافع شخصی‌شان در افغانستان جنگ می‌کنند.»

او تأکید کرد که نیروهای خارجی در افغانستان صادقانه بر علیه تروریسم مبارزه نمی‌کنند.

کرزی می‌گوید: در صورتی که امریکا، علاقه‌ی به افغانستان داشته باشد، باید برای مردم هلمند بند کجکی را بسازد تا مردم افغانستان با ایجاد پایگاه‌های نظامی این کشور، موافقت کنند.

به گزارش بخدی، رییس‌جمهور کرزی گفت که منابع

گاز است و نتایج بررسی زمین‌شناسان اداره فضایی ایالات متحده امریکا نیز موجودیت این منابع را تأیید کرده است.

برخی از منابع غیر رسمی، تأیید کرده اند که ذخایر یورانیم، به صورت گسترده در ولایت‌های هلمند و قندهار وجود دارد و گفته می‌شود که امریکایی‌ها برای استخراج این معادن سرمایه گذاری‌های کلانی انجام داده‌اند.

جنگ ناعادلانه

در جریان یک هفته گذشته، این... ادامه صفحه ۶

وزارت تحصیلات عالی:

۴۲ هزار بی‌نتیجه کانکور در موسسات تحصیلات عالی خصوصی جذب می‌شوند

مشکل تر گردیده است. او افزود: «بگذارید امیدوار باشیم که اوضاع بهتر از آنچه انکشاف می‌یابد که ما انتظار داریم. اما اوقات دشواری را در پیشرو داریم.»

یوئیس داکورد از این ابراز نگرانی نمود که با بیرون رفتن نیروهای جنگی ناتو از افغانستان در پایان سال ۲۰۱۴، کمک‌های بین‌المللی به مردم افغانستان بخشکند. او گفت: «خطر واقعی آن وجود دارد که در این وقت دیگر کدام کمکی برای افغانستان وجود نداشته باشد. این کشور به کمک... ادامه صفحه ۶»

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ:

بهبودی در اوضاع افغانستان نمی‌بینیم

دبیرکل کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، برعکس نیروهای آیساف زیرفرماندهی ناتو در اوضاع امنیتی افغانستان کدام بهبودی نمی‌بیند. از نگاه او مردم عادی افغانستان در این اوضاع با مشکلات روبه رو می‌باشند.

دبیرکل کمیته بین‌المللی صلیب سرخ روز سه شنبه در دهلی جدید گفته است: صلیب سرخ برعکس نیروهای کمک به حفظ امنیت زیرفرماندهی ناتو در افغانستان (آیساف) کدام بهبودی در اوضاع امنیتی نمی‌بیند.

یوئیس داکورد گفته است: در محاکمه اوضاع «ما خود را از ناتو کنار می‌کشیم». او افزود است: «هنگامی که شش ماه اخیر در نظر گرفته شود، طبعاً می‌توان لحظه‌ی را یافت که اوضاع بهتر است. اما درکل ما فکر می‌کنیم که اوضاع برای مردم افغانستان دشوار است و این چیزی است که باید بدان پرداخت.»

داکورد در پایتخت هندوستان گفت: برای مددگاران، دسترسی مستقیم به مردم نسبت به یک سال پیش

وزارت تحصیلات عالی:

۴۲ هزار بی‌نتیجه کانکور در موسسات تحصیلات عالی خصوصی جذب می‌شوند

مشکل تر گردیده است. او افزود: «بگذارید امیدوار باشیم که اوضاع بهتر از آنچه انکشاف می‌یابد که ما انتظار داریم. اما اوقات دشواری را در پیشرو داریم.»

یوئیس داکورد از این ابراز نگرانی نمود که با بیرون رفتن نیروهای جنگی ناتو از افغانستان در پایان سال ۲۰۱۴، کمک‌های بین‌المللی به مردم افغانستان بخشکند. او گفت: «خطر واقعی آن وجود دارد که در این وقت دیگر کدام کمکی برای افغانستان وجود نداشته باشد. این کشور به کمک... ادامه صفحه ۶»

فرستنده: احسان الله آریزنی

توضیحاتی در مورد «تکمله‌ی برنامه دانا روهرا باکر به زلمی خلیل زاد»

(پاسخ دفتر زلمی خلیل زاد به نوشته داکتر محی الدین مهدی / عضو مجلس نماینده گان)

طالبان وارد میدان شوند تا از قومی شدن جنگ جلوگیری به عمل آید. این نظر طبعاً در آن زمان و هر وقت دیگر طرفدار داشت و اجراءات به رویت آن عیار گردید.

در مورد خلع سلاح گروه‌های قومی شامل ایتلاف باید گفت که موجودیت ملیتها و یا اردوهای شخصی به صورت قطع زیربنای جنگ داخلی محسوب می‌شود. از همین رو تلاش صورت می‌گرفت که یک اردوی ملی، مسلکی و بی طرف ساخته شود تا حافظ منافع علیای وطن گردد، نه گروه‌های قومی. امکان تجدید جنگ‌های ذات‌البینی بین ایتلاف تشویش‌آور بود و از همین رو سعی می‌شد که گروه‌های نامنظم و ملیشه‌ها خلع سلاح شوند تا زمینه برای تشکیل اردوی ملی افغانستان فراهم گردد. البته پیشنهاداتی وجود داشت که یک تعداد افراد خلع سلاح شده مطابق نورم‌های عسکری، در اردوی ملی و پولیس ملی جذب شده و عده‌ی دیگر به کارهای اداری و فنی و تعلیم و تربیه سوق داده شوند.

داکتر مهدی پس از این بحث می‌نویسد که: «خلیل‌زاد از دوره ریگان، ترجمان رسمی دولت امریکا در مذاکرات با رهبران جهادی بود. گفته می‌شود که او در دوره مقاومت، با تصمیم کمک امریکا به مسعود مخالفت کرد. از این رو سخنان او بی سابقه نبود و برای امریکایی‌های وزارت خارجه و پنتاگون تازه‌گی نداشت.»

جناب داکتر مهدی به خوبی می‌داند که اتکا روی شنیده‌گی‌های محض و نقل قول‌های غیرمستند از دیگران، از ارزش یک مقاله تحقیقی می‌کاهد؛ مخصوصاً که از این «دیگران» هیچ نامی نمی‌برد و هیچ مأخذی نمی‌دهد.

جناب داکتر مهدی بعدتر به مسأله لویه‌جرگه پرداخته و تدویر آن را برای دوره موقت و قانون اساسی، محصول کار داکتر خلیل‌زاد می‌خواند: «خلیل‌زاد به این بسنده نکرد، او خواست که جریان را به طور کامل به مجرای اصلی‌اش باز گرداند (مجرای اصلی افغانستان پیش از کودتای ثور). از این رو در متن موافقت‌نامه بن، تدویر لویه‌جرگه اضطراری را گنجانید، در حالی که به برگزاری آن هیچ نیازی نبود...»

برای روشنی موضوع باید گفت که اشتراک‌کننده‌گان کنفرانس بن، همه به اتفاق آراء، تدویر لویه‌جرگه‌ها را در متن قرارداد بن گنجانیدند و بعد از آن نیز تمام کسانی که قومی فکر نمی‌کردند، نتایج لویه‌جرگه را با شرکت نماینده‌گان تمام اقوام و اصناف، مثبت ارزیابی کردند.

قابل یادآوری است که در وقت تدویر کنفرانس بن به اشتراک نماینده‌گان چهار گروه پشاور، قبرس، روم و ایتلاف شمال، بعضی عناصر ایتلاف به علت تفوق نظامی‌شان در میدان‌های جنگ، به فکر امتیازات بیشتر بودند. حال آن‌که تلاش برای ایجاد یک تناسب معقول، نیاز تاریخی و منطقی آن وقت به حساب می‌آمد. تناسب می‌توانست مشکلات را مرفوع سازد، در حالی که امتیازطلبی، امکانات جنگ‌های بعدی را فراهم می‌ساخت.

داکتر مهدی در بخشی دیگر می‌نویسد: «وقتی که به نمایندگی از ایتلاف، درون لویه‌جرگه با سفیر هند ملاقات داشتیم، او گفت من پیشنهاد کردم که با توجه به ساختار پیچیده اجتماعی افغانستان، مودل نظام فدرالی هند بسیار سازگار با افغانستان است. اما خلیل‌زاد بر من صدا زد و صدایم را در گلو خاموش ساخت و نگذاشت که حرفم را تمام کنم...»

اما این موضوع از قول داکتر خلیل‌زاد واقعیت ندارد. در آن وقت و هر وقت دیگر، تصمیم‌گیرنده اصلی در مورد مسایل ملی افغانستان، باید مردم باشند، نه سفیر هند. طبعاً اگر هر کسی می‌بود، در مقابل مداخله سفیر هند همین موضع را اختیار می‌کرد. در آن روزها بسیار تلاش صورت می‌گرفت که شرایطی فراهم نشود که کسی چیزی را بر کسی دیگر تحمیل... ادامه صفحه ۷



و امکانات می‌فرستاد تا مخالفین دولت را از سر بردارد.

بسیاری‌ها در سال‌های ۱۹۹۵ - ۱۹۹۷م فکر می‌کردند که طالبان جریانی است که برای پادشاه سابق کار می‌کند، لویه‌جرگه را قبول دارد و به فکر رسیدن به قدرت هم نیستند. در آن وقت‌ها ذواتی مانند پیر سید احمد گیلانی و جناب حامد کرزی می‌گفتند که طالبان با آن‌ها هستند و بسیاری‌ها فکر می‌کردند که می‌شود با آن‌ها کار کرد و به توافقاتی رسید. ملاقات مرحوم احمدشاه مسعود با طالبان در میدان شهر و کمک‌های استاد ربانی به طالبان نیز از همین سطح درک نماینده‌گی کرده می‌تواند.

داکتر خلیل‌زاد از جمله کسانی بود که زود درک کرد که کار با طالبان بسیار مشکل است و مفکوره خود را در مورد امکان کار متمرکز با طالبان تغییر داد و در مقاله‌ی زیر عنوان «افغانستان؛ شکل‌گیری یک نظام سرکش» Afghanistan: The Consolidation of a Rogue state که در زمستان سال ۲۰۰۰ با Danie Byman یک‌جا در مجله Washington Quarterly نشر نمود، چهره اصلی طالبان را معرفی کرد و اخطار داد که چون اداره کلیتون چالش‌های به‌میان آمده توسط طالبان را برای امنیت منطقه و ایالات متحده امریکا جدی نمی‌گیرد، انتظار می‌رود که طالبان پس از پیدا کردن جای پا در افغانستان، به یک خطر منطقه‌ی مبدل گردند.

داکتر خلیل‌زاد با این‌گونه تحلیل‌ها در شرایطی که هیچ درک درستی از طالبان موجود نبود، در واشنگتن بنیان‌گذار مفکوره ضدیت با طالبان محسوب می‌شود که نوشته‌هایش در مطبوعات پر تیراژ آن وقت امریکا علاقه‌مندان بسیار پیدا کرده بود. در این نوشته‌ها خاطر نشان می‌شد که طالبان نه تنها برای منطقه جنوب آسیا و آسیای مرکزی خطر ایجاد کرده، بلکه امکان دارد که امنیت امریکا را نیز با خطر روبه‌رو سازد.

اکنون برمی‌گردیم به آن‌چه که واقعاً در جلسه وزارت خارجه امریکا اتفاق افتاد. در این جلسه که بعد از حادثه یازدهم سپتمبر دایر شد، تلاش صورت می‌گرفت که جنگ در افغانستان قومی نشود. پشتون‌ها به حیث طالب و غیرپشتون‌ها به حیث ایتلاف شمال وارد معرکه نشوند، بلکه کوشش می‌شد که عناصر پشتون در جنگ برضد

هفته قبل، ترجمه نامه دانا روهرا باکر به داکتر زلمی خلیل‌زاد در روزنامه وزین ماندگار به نشر رسید. یک روز بعد نیز نظریات محترم داکتر محی‌الدین مهدی عضو شورای ملی در این مورد به چاپ رسید.

توضیحات داکتر مهدی با نقل قولی از یک دوست دانشگاهی‌اش که مقیم امریکاست، آغاز شد: «پس از آن‌که نیویارک و واشنگتن مورد حمله القاعده قرار گرفت، جمعی از افغان‌های مقیم امریکا را به وزارت خارجه فرا خواندند. در آن جمع، من و چند تن محدود دیگر بودیم که در تمام سالیان حضور و عروج طالبان با آنان مخالفت داشتیم؛ اما بقیه که اکثریت مطلق را تشکیل می‌دادند و در رأس آن‌ها زلمی خلیل‌زاد قرار داشت، گروه صنفی‌یی بودند که نه تنها از طالبان حمایت می‌کردند، بلکه به عنوان مبلغان و نماینده‌گان آنان، ایفای وظیفه می‌نمودند.»

دوست جناب داکتر مهدی بعدتر می‌گوید: «ایالات متحده امریکا هیچ‌گونه طرح سیاسی برای افغانستان بعد از اشغال نداشت. امریکایی‌های اصیل، سر تا پا گوش فرا دادند تا بشنوند که افغان‌های امریکایی به آنان چه می‌گویند. خلیل‌زاد که بیش از دیگران به آنان نزدیک بود، طرح بسیار روشن و ساده‌ی را فرا روی آن‌ها گذاشت.»

داکتر مهدی به روایت دوست خود می‌نویسد که داکتر خلیل‌زاد ضمن ارایه طرح خود به امریکایی‌ها پیشنهاد نموده بود که امریکا باید دو انتقال عادلانه و مسالمت‌آمیز را رهبری کند: «یکی، انتقال سیاسی از اتحاد شمال به روشن‌فکران و تحصیل‌کرده‌های پشتون؛ و دوم جمع‌آوری اسلحه از اقلیت‌های قومی شمال و تشکیل یک اردوی منضبط به‌دست حکومت مرکزی.»

در آغاز این نبشته که کاملاً جنبه وضاحتی دارد، در مورد شروع تحریک طالبان، کمی روشنی انداخته می‌شود.

تحریک طالبان وقتی در افغانستان عرض اندام کرد که مردم از هرج‌ومرج آن وقت به ستوه آمده و آماده همکاری با جریانی بودند که به مشکلات جاری نقطه پایان بگذارد.

همه به یاد داریم که در آن وقت مرحوم استاد ربانی تحریک طالبان را یک حرکت خودجوش و طالبان را فرشته‌های صلح خطاب می‌کرد و پول

سخن‌ماندگار

نوروزستیزی و ریشه‌های خطرناک آن

در حالی که یک هفته به سال نو ۱۳۹۲ خورشیدی باقی مانده است و مردم برای برگزاری جشن جمشیدی نوروز آماده‌گی می‌گیرند، موجی از مخالفت‌ها علیه این آیین کهن و باستانی مردم افغانستان به راه افتاده است.

مخالفت با آیین و رسم جمشیدی نوروز، کار تازه‌یی نیست. در چند سال پسین دیده می‌شود که گروه‌های دگم‌اندیش و متحجری پیدا شده‌اند که پیوسته با استفاده سوء از آیات و احادیث، سعی در باطل اعلام کردن این جشن دارند. این گروه‌ها با پخش و نشر سخنرانی‌ها، بروشورها، خطابه‌ها و... نوروز را مغایر اسلام می‌خوانند.

رویکرد این نوشته به گونه‌یی نیست که به لحاظ شرعی، حلال بودن یا حرام بودن نوروز را ثابت کند؛ زیرا به این مسأله به کرات پرداخته شده و تثبیت شده که حرام دانستن نوروز، یک اشتباه فاحش است. بنابراین در این مقال کوتاه، به این‌که چه‌گونه چنین گروه‌های دگمی فعال شده‌اند و چرا جلو آنان گرفته نمی‌شود، می‌پردازیم.

تردیدی نیست که در سی سال پسین، جنگ‌های گوناگون باعث شد که سبلی از گروه‌ها و افراد افراطی از کشورهای همسایه و غیرهمسایه به افغانستان سرازیر شوند. چنان‌که احزابی چون القاعده، حزب تحریر و ده‌ها حزب افراطی دیگر به بهانه جهاد در این کشور، برای خود خانه امنی ساختند. این گروه‌ها با دریافت بسیار دگمی که از اسلام و آیین الهی داشتند، به تدریج زمینه ایجاد تروریسم بین‌المللی را پدید آوردند.

در نتیجه تعاملات این گروه‌ها با مردم افغانستان بود که افکار بنیادگرایانه در میان مردم پخش و نشر گردید و تا هنوز برخی به تاسی از آن افراطیون، آن افکار و دیدگاه‌ها را نشخوار می‌کنند.

نه تنها که چنین پتانسیلی مایه مخالفت گروه‌های افراطی با پدیده‌هایی چون نوروز است، بلکه به نظر می‌رسد دست استخبارات منطقه نیز در تحریک این گروه‌ها بی‌تأثیر نمی‌باشد. چنان‌که طالبان دوازده سال قبل، مجسمه‌های تاریخی بامیان را به تحریک استخبارات پاکستان از میان بردند.

این گروه‌ها - که فعالیت‌های‌شان این روزها فوق‌العاده چشم‌گیر است - با موضع‌گیری‌های بسیار رادیکال خویش، در پی هویت‌زدایی از مردم‌اند و طبق یک برنامه بسیار منظم، علیه نمادهای فرهنگی به مبارزه خاسته‌اند که مخالفت با نوروز، فقط یکی از این برنامه‌هاست.

البته از این گروه‌ها گله‌یی نیست، زیرا آن‌ها چنین فکر می‌کنند و چنان هم عمل. بلکه شکایت از حکومتی است که طبق قانون، مکلف است از هویت و فرهنگ مردم افغانستان دفاع کند. سوگ‌مندانه که حکومت هرگز مسوولیت‌ها و مکلفیت‌هایش را نمی‌داند و برعکس، خواسته و ناخواسته در کنار همین گروه‌های افراطی حرکت می‌کند. به عنوان مثال، می‌توان از حمایت حکومت از برنامه مصالحه با طالبان و ده‌ها سیاست‌گذاری دیگر یاد کرد که عملاً جناب کرزی و همراهانش را در کنار این فرهنگ‌ستیزان قرار می‌دهد.

وقتی حکومت با گروه‌هایی گفت‌وگو می‌کند که دوازده سال قبل مجسمه‌های بامیان را منفجر کردند، پس این گله نابه‌جاست که بگوییم حکومت چرا فعالیت گروه‌هایی را که با نوروز مخالفت دارند متوقف نمی‌سازد.

سیاست‌های فرهنگی حکومت، همواره نادرست و بی‌لگام بوده است. و نه تنها هیچ‌گاه در راستای رشد و اعتلای فرهنگ باستانی این سرزمین تلاش نکرده، که در مواردی نیز مخالف ارزش‌های مدنی و فرهنگی عمل کرده است.

به نظر می‌رسد که ادامه این وضعیت آشفته، در آینده‌های نزدیک یک بحران شدید فرهنگی را دامن‌گیر این سرزمین می‌سازد. زیرا از یک‌سو، متحجران فعالیت‌های بسیار گسترده دارند و با استفاده از سواد کم مردم، همه را به سوی خود جذب می‌کنند و از سوی دیگر، حکومت دست زیر لاشه نشسته و بدون هیچ‌گونه مسوولیت‌پذیری‌یی آنان را تماشا می‌کند.

بنابراین، عجیب نخواهد بود که به‌زودی مردم افغانستان شاهد ریختن جمعی از افراد نادان، متحجر و فریب‌خورده به خیابان‌ها باشند که مخالفت‌شان را در مهد و خاستگاه نوروز، با این آیین باستانی اعلام می‌دارند و آن زمانی‌ست که یک شرمساری دیگر به سیاه‌روی‌های حکومت افزوده خواهد شد.

امریکا دیپلمات‌های ونزوئلا را اخراج کرد



امریکا در واکنش به اخراج دو وابسته نظامی این کشور از ونزوئلا، دو تن از دیپلمات‌های ونزوئلی را اخراج کرد.

به نوشته روزنامه نیویورک تایمز، ویکتوریا نولاند، سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا در کنفرانس خبری اعلام کرد: در هر کجای جهان که مردم ما ناعادلانه اخراج شوند، ما نیز اقدامات متقابل انجام می‌دهیم؛ ما برای محافظت از مردم کشورمان ملزم به انجام چنین اقداماتی هستیم.

وی گفت: این دو دیپلمات ونزوئلی کشور را ترک کرده‌اند. وزارت خارجه امریکا نیز این دو تن را نفر دوم سفارت ونزوئلا در امریکا و افسر کنسولی این سفارتخانه معرفی کرد.

اخراج دیپلمات‌ها از روز سه شنبه گذشته به دنبال اخراج دو وابسته نیروی هوایی امریکا از ونزوئلا به اتهام تلاش برای بی‌ثباتی این کشور آغاز شد.

نیکولاس مادورو، رئیس جمهوری موقت ونزوئلا در برنامه ای تلویزیونی یکی از این وابستگان نظامی امریکا را به تلاش برای به خدمت گرفتن پرسنل نظامی ونزوئلا برای انجام اقداماتی در راستای تضعیف و بی‌ثبات کردن ونزوئلا متهم کرد.

نیکولاس مادورو اواخر همان روز مرگ هوگو چاوز را اعلام کرد. مادورو تا زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در ۱۴ اپریل به عنوان رئیس جمهوری موقت ونزوئلا زمام امور این کشور را بدست دارد.

ونزوئلا و امریکا از سال گذشته برای بهبود روابطشان مذاکرات غیر رسمی را آغاز کردند اما مقام‌های امریکایی گفتند که این اقدام متوقف شده است.

ویکتوریا نولاند اعلام کرد: ما به داشتن روابط بهتر با ونزوئلا امیدواریم. اقداماتی به ویژه در حوزه های مقابله با تروریسم، مبارزه با مواد مخدر، اقتصاد و روابط انرژی وجود دارند که ما تمایل داریم تا آنها را با کمک هم انجام دهیم اما ونزوئلا رویه خود را تغییر داده است.

سرپرست ریاست جمهوری ونزوئلا: سرطان چاوز با بقیه سرطان‌ها فرق داشت



نیکولاس مادورو رئیس جمهوری موقت ونزوئلا اعلام کرد: بیماری سرطان هوگو چاوز رئیس جمهوری فقید این کشور با بقیه سرطان‌ها فرق داشت و همه قواعد مربوط به این بیماری را به هم ریخته بود.

مادورو که معاون چاوز بود و اکنون نامزد حزب حاکم سوسیالیست متحد ونزوئلا برای انتخابات ریاست جمهوری پس از چاوز است، روز سه شنبه در مصاحبه‌ی با شبکه خبری تله سور افزود: در زمان خودش، جزییات این بیماری را فاش خواهیم کرد ولی هم اکنون دولت یک کمیسیون ویژه را برای بررسی نحوه ابتلای رئیس جمهوری به آن تشکیل داده است.

وی افزود: این کمیسیون از کشورهای مهم جهان و بهترین دانشمندان دعوت خواهد کرد تا در باره بیماری‌ای که به مرگ چاوز منجر شد، تحقیق کنند.

چاوز جوزای سال گذشته از بیماری خود و کشف غده‌های سرطانی در وجودش خبر داد و سه شنبه هفته گذشته پس از ۲۰ ماه دست و پنجه نرم کردن با آن و چهار عمل جراحی درگذشت. شماری از مقام‌ها و کارشناسان سیاسی معتقدند بیماری این رهبر بزرگ و ضد امپریالیست امریکای لاتین در سن ۵۸ سالگی، مشکوک بوده و ناشی از توطئه دشمنان او است.

مادورو در کاراکاس به شبکه تله سور گفت: چاوز یک بیماری داشت، یک نوع سرطان که با همه قواعد و ویژگیهای مربوط به این بیماری متفاوت بود و در زمان خودش، ما جزییات آن را فاش خواهیم کرد

کرد: در دهه ۱۹۴۰ میلادی، امریکا آزمایش‌گاه‌های علمی داشت که در آن در باره چگونگی مبتلا کردن دیگران به بیماری سرطان تحقیق می‌کردند. مادورو پرسید: ۷۰ سال از آن زمان گذشته است. آیا در این مدت، این نوع آزمایشگاه‌های شرارت و مرگ پیشرفتی نداشته است؟! وی با این حال دو بار گفت: در حال حاضر، من نمی‌خواهم امریکا را در این زمینه متهم کنم.

چاوز رهبر انقلاب بولیواری ونزوئلا در حالی درگذشت که نتوانست مراسم سوگند رسمی چهارمین دوره ریاست جمهوری خود را در مجلس ملی این کشور به جای آورد. او در انتخابات مهرماه گذشته در حالی با حمایت گسترده مردمی به پیروزی رسید که همه مخالفان غربگرایش، برای شکست دادن او متحد شده و یک نامزد واحد را به مصاف با او فرستاده بودند.

وی افزود: خود چاوز هم از ابتدا به ماجرای بیماری خود شک داشت.

بیماری چاوز خرداد سال گذشته در آخرین مرحله از سفر دوره ای او به چند کشور امریکای لاتین، در هاوانا پایتخت کوبا کشف شد و او بلافاصله در همانجا تحت عمل جراحی قرار گرفت. چاوز چند روز بعد گفت که پزشکان غده ای به اندازه یک توپ بیسبال از بدن او خارج کرده اند و سرطان در منطقه لگن خاصره او وجود دارد، اما با وجود آنکه رئیس جمهوری ونزوئلا چهار بار به خاطر این بیماری تن به جراحی داد و چند بار هم شیمی درمانی شد، هرگز جزییات بیشتری از این بیماری از سوی دولت ونزوئلا فاش نشده است. او نخستین بار در سال ۱۹۹۸ میلادی در انتخابات به پیروزی رسید و به گفته مادورو، از همان زمان بارها به مرگ تهدید شده بود.

سرپرست ریاست جمهوری ونزوئلا خاطر نشان

جنگ احتمالی دو کوریا



خود مربوط به ۶۰ سال پیش نکرده است و تنها روزنامه اصلی این کشور یعنی روزنامه «رودونگ سین مون» گزارش داده که روز دوشنبه پیمان آتش‌بس لغو شده است. کوریای شمالی پیشتر نیز چند بار تهدید به لغو پیمان آتش‌بس با کوریای جنوبی کرده است.

مارتین نسیرکی، سخنگوی سازمان ملل اظهار داشت که به‌رغم گزارش این روزنامه پیمان آتش‌بس همچنان معتبر و به قوت خود باقی است زیرا این پیمان به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده و نمی‌تواند به طور یک‌جانبه لغو شود.

وی افزود که مقامات سازمان ملل در نیویورک اطلاعاتی در خصوص هرگونه تغییرات عملیاتی در منطقه کوریای شمالی ندارند. در عین حال جی کارنی، سخنگوی کاخ سفید نیز اظهار داشت که امریکا مطمئناً از بابت لفاظی‌های جنگ‌طلبانه کوریای شمالی نگران است و تهدیدهایی که آنها ابراز می‌کنند در پیروی از الگویی به منظور افزایش تنش‌ها و ارباب دیگران است.

از سوی دیگر خبرگزاری شینهوا گزارش داد، وزارت دفاع کوریای جنوبی امروز سه‌شنبه تهدیدهایی مکرر کوریای شمالی به اقدام نظامی را در راستای تاکتیک‌های روانی به منظور اعمال فشار بر امریکا و کوریای جنوبی دانست.

کیم مین-سوک، سخنگوی وزارت دفاع کوریای جنوبی در یک کنفرانس خبری گفت: کوریای شمالی دائماً با لفاظی‌های تهدیدآمیز و تحریک‌آمیز در حال تهدید کردن است.

وی چنین تهدیدهایی را تلاشی برای اعمال فشارهای روانی بر کوریای جنوبی دانست و افزود: این اقدام تلاشی برای افزایش حمایت‌های داخلی در کوریای شمالی و فشار بر امریکا و کوریای جنوبی در تغییر سیاست‌های خود در قبال کوریای شمالی است.

این سخنگو در ادامه گفت: کوریای شمالی با وجود اینکه تلاش دارد که یک فضای مشابه جنگ خلق کند، اما نشانه‌ای مبنی بر اینکه این کشور در تدارک برای آزمایش‌های هسته‌ای و موشکی بیشتر باشد، وجود ندارد.

قرار دهد.

یک سخنگوی سازمان ملل اظهار داشت که پیونگ‌یانگ نمی‌تواند پیمان آتش‌بسی را که همچنان اعتبار دارد، به طور یک‌جانبه لغو کند. این در حالی است که گزارش‌های منتشر شده نشان از عادی بودن روابط میان دو کوریای دارند. ظاهراً کوریای شمالی اقدام به قطع خط تلفن مستقیم غیرنظامی میان دو کوریای کرده است اما از طرف دیگر هیچ‌گونه تغییرات عملیاتی چشمگیری میان دو کشور اتفاق نیافتاده است. دست‌کم دو مجرای ارتباطی فعال دیگر نیز همچنان میان دو کوریای وجود دارد.

به گفته وزارت اتحاد کوریای جنوبی، دو کوریای روز سه‌شنبه همانند روز دوشنبه از یک خط تلفن نظامی جداگانه استفاده کردند تا برای ورود صد تن از اتباع کوریای جنوبی برای عبور از مرز برای رفتن به یک منطقه صنعتی تحت مدیریت مشترک میان دو کوریای اجازه صادر کنند.

با وجود این اغلب لفاظی‌های جنگ‌طلبانه از سوی کوریای شمالی ظاهراً به منظور افزایش وفاداری شهروندان و ارتش این کشور به کیم جونگ اون مطرح می‌شود.

دولت کوریای شمالی هنوز اعلام رسمی بر اجرای تهدیدهای مکرر خود به منظور لغو پیمان آتش‌بس

در پی لغو آتش‌بس سال ۱۹۵۳ کوریای شمالی با همسایه جنوبی‌اش، رهبر کوریای شمالی در بازدید از سربازان مستقر در خط مقدم خواست تا به منظور یک جنگ احتمالی در حال آماده‌باش باشند.

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، کیم جونگ اون، رهبر کوریای شمالی بنا به اعلام رسانه‌های دولتی این کشور خطاب به سربازان واحد توپخانه مستقر در آب‌های میان کوریای شمالی و کوریای جنوبی اظهار داشت که در حال حاضر جنگی می‌تواند رخ دهد.

دیدار کیم جونگ اون از این سربازان و همچنین ادعای لغو آتش‌بس آخرین مورد از لفاظی‌های خشمگینانه کوریای شمالی پس از اعمال تحریم‌های جدید سازمان بر علیه آنها است.

پیونگ‌یانگ همچنین متعهد شد تا با سلاح هسته‌ای به امریکا حمله کند. با وجود این مشخص نیست که چه اتفاقی خواهد افتاد و اینکه کوریای شمالی به گفته‌های خود جامه عمل می‌پوشاند یا خیر.

وزارت دفاع کوریای جنوبی روز سه‌شنبه اعلام کرد، هیچ نشانه‌ی مبنی بر اینکه کوریای شمالی دست به حمله زده و آزمایش‌های هسته‌ای و موشکی بیشتری انجام خواهد داد، وجود ندارد و پیونگ‌یانگ صرفاً تلاش می‌کند تا کوریای جنوبی را تحت فشار روانی

اعتصاب غذای زندانیان گوانتاناما در اعتراض به بی‌احترامی به قرآن



وکلای زندانیان گوانتانامو اعلام کردند که زندانیان بند اصلی در اعتراض به مصادره وسایل شخصی آنها از جمله بی‌احترامی به قرآن دست به اعتصاب غذا زده‌اند.

گزارش خبرگزاری فرانسه، پردیس کبریایی، وکیل امریکایی یک زندانی یمنی گوانتانامو به نام غالب البهانی اظهار داشت: موکل من و چند زندانی دیگر گزارش داده‌اند که اغلب زندانیان بند ششم گوانتانامو به غیر از تعداد معدودی که مریض یا مسن هستند هم‌اکنون در اعتصاب غذا به سر می‌برند.

بند ششم گوانتانامو بخش اصلی زندان مخفوف گوانتانامو است که حدوداً ۱۳۰ تن از ۱۶۶ زندانی گوانتانامو در آنجا نگهداری می‌شوند. این ۱۳۰ زندانی کسانی هستند که مشکلات انضباطی نداشته و به لحاظ اطلاعات و یا خطرات خاص، زندانی ویژه محسوب نمی‌شوند.

رابرت دوراند، مدیر روابط عمومی نیروی ضربت گوانتاناما در این باره به خبرگزاری فرانسه گفت: ۹ زندانی اعتصاب غذا کرده‌اند که ۵ تن از آنها با لوله‌ای که در شکمشان قرار گرفته تغذیه می‌شوند. آنها از تحویل گرفتن غذا خودداری می‌کنند و نپذیرفتن غذا به معنی اینکه یک زندانی دست به اعتصاب غذا زده نیست بلکه تنها نخوردن است که این معنی را می‌دهد.

وی افزود: ممکن است زندانیان و یا کل یک واحد از زندان از پذیرفتن غذاهای تازه و گرم که به آنها تحویل داده می‌شود خودداری کنند اما ما مشاهده کرده‌ایم که آنها از حجم فراوان غذایی که در سلول خود دارند می‌خورند. این درحالی است که پردیس کبریایی تأکید کرده، موکل وی که ۳۰ روز است دست به اعتصاب غذا زده، حدود ۱۰ کیلو وزن کم کرده و مقامات پزشکی گفته‌اند که به علت ابتلای وی به دیابت سلامتی در خطر جدی است.

یک وکیل دیگر به نام باری وینگارد در این باره اعلام کرد که یکی از سه موکل وی نیز در عرض سه هفته و نیم ۱۲ کیلو وزن کم کرده و هر سه موکل وی در اعتصاب غذا به سر می‌برند.

۱۲ وکیل از جمله کبریایی نامه‌ای خطاب به درباردار جان اسمیت، فرمانده زندان گوانتانامو فرستاده و طی آن اوضاع بوجود آمده را که به نظر می‌رسد در حال بدتر شدن و رسیدن به مرحله حاد است، محکوم کردند.

از دوسنی با دپن فاشمینی با فلسفه

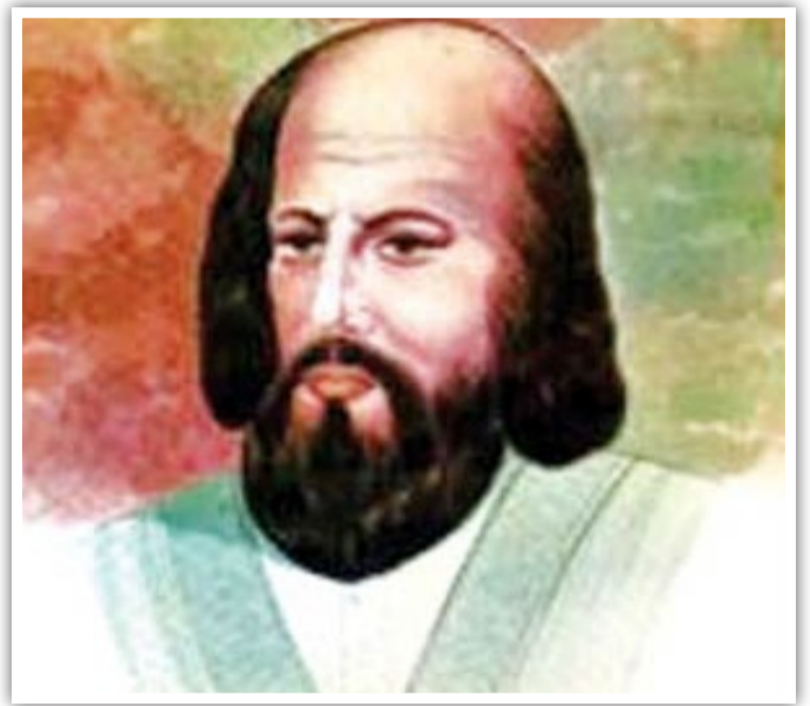
امیر نعمتی لیمایی

امام محمد غزالی طوسی که در سده پنجم هجری و به روزگار فرمانروایی خاندان ترک‌تبار سلجوقی می‌زیست، از جمله نام‌آورترین و تاثیرگذارترین شخصیت‌های اسلام در گستره‌ی زمانی به وسعت تمام تاریخ است. مجموعه فعالیت‌های او که نمود اصلی‌اش را در آثار وی به عینه می‌توان دید، سبب شد تا در درازنای تاریخ شمار به نسبت افزونی از دانشمندان و اندیشمندان به شرح یا نقد آرای او بپردازند. برخی از افراد که واکاوی آرای او را پیشه خویش ساختند، باورهای او را به جهت دین‌مداری‌اش، حجت پنداشته

کندوکاو در دیگر آثار غزالی. برابر با تاریخ، عهدی که غزالی آن در آن می‌زیست، تشتت فکری و هرج و مرج عقیدتی دهشتناکی بر جامعه اسلامی حاکم بود. نابه‌سامانی روزگار بیش از اندازه بود و به باور بسیاری از متدینان، عامه مردم به درد صعب‌العلاج بددینی و سست‌ایمانی دچار گشته بودند. گروه‌های مختلف دینی به سهولت یک‌دیگر را کافر دانسته و خارج از مسیر دین اعلام می‌کردند. به تعبیر خود غزالی در آن برهه زمانی، اشعری حنبلی را تکفیر می‌نمود، حنبلی اشعری را واجب‌القتل می‌پنداشت، معتزلی اشعری را مهدورالدم می‌خواند و اشعری از تکفیر معتزلی سخن

انداخته بر جامعه مسلمان است. غزالی در تهافت‌الفلسفه بیان داشت که فلسفه فلاسفه یونان با یک‌دیگر سازگاری ندارد و در موارد زیادی ناقض یک‌دیگر اند. نظام فلسفی ارسطو، سقراط و افلاطون روی پایه و اساس منسجمی قرار ندارد، با این وجود و به رغم ناهماهنگی و تناقض‌شان وارد فلسفه اسلامی شده اند. بنابراین در تهافت‌الفلسفه بر ضد فلسفه یونانی برخاست، چرا که آن را عامل اصلی تناقض‌ها و اختلاف‌های میان نحله‌های فکری گوناگون اسلام دید. به تعبیر دیگر، او درد دین داشت و ره نجات دین از سرطان بددینی و غده بدخیم سست‌ایمانی را زدودن نفوذ فلسفه یونانی از هر آن‌چه که حکمت اسلامی نام داشت، پنداشت.

بررسی دیگر آثار غزالی هم‌چون کیمیای سعادت، احیای علوم دین، المنقذ من الضلال، نصیحت‌الملوک، اقتصادالاعتقاد، مستظهري و مستصفی نیز نمایانگر آن است که او نگران جراحات و دلواپس دردهای دین است. این آثار همان‌گونه که "آن لمبتون" در کتاب "دولت و حکومت در اسلام" نیز قرار داشته است، به روشنی هویدا می‌سازند که غزالی مسایل اجتماعی و سیاسی را نیز با دید مذهبی می‌نگریست. آن‌چه از مطالعه این رسایل برمی‌آید، آن است که به باور غزالی دین و ملت توأمان است و استواری امت بر پایه دین شکل می‌گیرد و وظیفه نخست هر مسلمان، به‌ویژه عالمان، تصدیق و تقویت عقاید اسلامی است. می‌توان گفت کتاب‌های غزالی همه و همه در وهله نخست بدان جهت نوشته شدند که نشان داده شود، محور همه مسایل دین است؛ انسان فقط یک ارباب دارد آن‌هم خدای یگانه و تنها یک قانون دارد آن‌هم شریعت که خداوند به او بخشیده است و وظیفه مسلمانان و به‌ویژه علمای اسلامی، تقویت شریعت است و به این جهت چون فلسفه را در ضدیت با تقویت شریعت دید، با نگارش تهافت‌الفلسفه به مبارزه و مجادله‌ی سخت با فیلسوفان برخاست. به عنوان پایانی بر این کوتاه‌جستار و به منزله برآیند سخن می‌توان گفت غزالی تلاش نمود که مسلمانان را از هرج و مرج فکری رهایی بخشیده و معرفت دینی زمانه‌اش را مورد یک بازنگری و خانه‌تکانی اساسی قرار دهد. هدف و آرمان او آن بود که راه رسیدن به دین را از طریق استدلال نظری و براهین عقلی و مباحث فقهی، جدلی و کلامی، جدا ساخته و شریعت را در مسیر ایمان و اعتقاد ساده اما گسترده بود که از غالب و مغلوب هر دو

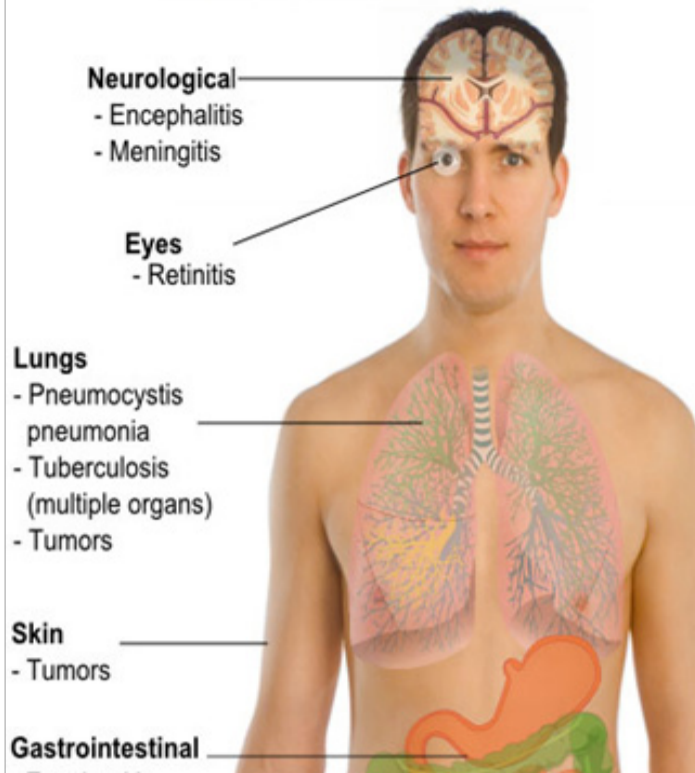


می‌گفت. در واقع در این روزگار که سلجوقیان حنفی‌مذهب، حاکم و اختیار صدارت آن‌ها در دست شافعی‌مذهبان نام‌آوری چون خواجه نظام‌الملک طوسی بود، پیروان مذاهب دیگر و از جمله شیعیان و به ویژه اسماعیلیان تحت فشار و ستم روزگار می‌گذرانیدند و اوضاع چندان نامناسب می‌بود که درهای تعصب و تزویر برای ورود به فرقه‌گرایی‌ها گشاده گردید. به سخن دیگر، در جامعه آکنده و مملو از تعصب، دامنه هرج و مرج‌ها چنان گسترده بود که از غالب و مغلوب هر دو

و ستوده و از این‌رو در رویارویی با هرگونه نظریه‌ی که رهی جدا از مسیر غزالی می‌پیمود، پرچم مخالفت برافراشتند. شماری از کسانی هم که بازبینی باورهای غزالی را و جهت همت خویش قرار دادند به مانند ابن رشد، نویسنده کتاب تهافت التهاافت، به سبب جنبه‌های ضدفلسفی اندیشه غزالی، عقایدش را مردود دانسته و نکوهیده و به همین جهت در تقابل با هرگونه رای که همگام با طریق غزالی می‌بود، رایت معاضدت برپای داشتند.

شمار زیادی از اندیشمندان امروزی نیز غزالی را به سبب مخالفتش با فلسفه و خردستیزی گسترده‌اش مورد طعن و لعن قرار داده و از آن جمله به شماری از پژوهنده‌گان نامدار چون مهدی فرشاد، مولف کتاب تاریخ علم در ایران و عبدالهادی حایری، نویسنده کتاب نخستین رویارویی‌های ایرانیان با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، می‌توان اشاره داشت. در حقیقت، از روزگار غزالی تا به امروز، مخالفان غزالی آن‌چه را بیش از همه دستاویز هجمه خویش به او و پیروانش برشمرده اند، عقاید ضدفلسفی غزالی است که به ویژه در کتاب تهافت‌الفلسفه او دوچندان رخ می‌نماید. پرسشی که به ذهن متبادر می‌شود، آن است که چرا غزالی به دشمنی با فلسفه دست یازید و اضمحلال آن را با جدیت تمام پی گرفت؟ به چه سبب او در تکاپوی آن شد تا با مدلل ساختن عقایدش در کتاب تهافت‌الفلسفه، اسباب نابودی فلسفه را فراهم آورد؟

به باور نگارنده، برای یافتن پاسخ‌هایی مستند به برهان‌های روشن بر این پرسش‌ها باید از دو سو به کنکاش و جست‌وجو پرداخت. نخست: بازبینی اوضاعی اجتماعی، سیاسی، مذهبی و فرهنگی روزگار غزالی و دوم:



بخش دوم و پایانی

۱۶ نشانه جدی ایدز!

۹. سینه پهلوی

سرفه و کاهش وزن ناشی از این بیماری ممکن است موجب بروز بیماری جدی شود که توسط میکروبی ایجاد می‌شود که اگر سیستم ایمنی بدن‌تان خوب کار می‌کرد، هیچ مشکلی برای‌تان ایجاد نمی‌کرد. بیماری‌های فرصت‌طلب مختلفی وجود دارند و هرکدام از آن‌ها به طور متفاوتی بروز می‌یابند. علاوه بر سینه‌پهلوی، از بیماری‌های فرصت‌طلب می‌توان به عفونت انگلی توکسوپلاسموز که بر مغز اثر می‌گذارد، نوعی ویروس تبخال که سیتومگالوویروس نامیده می‌شود و نوعی عفونت قارچی مثل برفک اشاره کرد.

۱۰. تفرق شب‌هنگام

تقریباً نیمی از افراد در مراحل اولیه عفونت HIV دچار تفرق شبانه می‌شوند. این مشکل با پیشرفت بیماری ممکن است وخیم‌تر شود و ارتباطی با ورزش کردن یا دمای اتاق ندارد. نادیده گرفتن این مشکل که تقریباً مشابه گُر گرفته‌گی است که زنان در شروع یائسه‌گی دچار آن می‌شوند، بسیار دشوار است؛ زیرا تمام لباس‌ها و ملحفه‌های‌تان را خیس می‌کند.

۱۱. تغییر ناخن‌ها

یکی دیگر از نشانه‌های آخری عفونت HIV، تغییراتی مثل ضخیم و خمیده شدن ناخن‌ها، شکاف برداشتن و تغییر رنگ آن‌ها می‌باشد. این مشکل معمولاً در اثر عفونت قارچی مثل کاندیدا اتفاق می‌افتد. بیمارانی که سیستم ایمنی بدن‌شان ضعیف شده است، بیشتر در معرض عفونت‌های قارچی هستند.

۱۲. عفونت‌های قارچی

عفونت قارچی دیگر که در مراحل آخری این بیماری ایجاد می‌شود، تب‌خال است که عفونتی دهانی است که توسط کاندیدا که نوعی قارچ است، ایجاد می‌شود. تب‌خال یک عفونت قارچی متداول است که معمولاً در دهان یا مری ایجاد می‌شود و بلعیدن را مشکل می‌کند.

۱۳. سردرگمی و مشکل در تمرکز

مشکلات شناختی نیز می‌توانند یکی از نشانه‌های جنون ناشی از HIV باشند که معمولاً در مراحل آخری این بیماری پدیدار می‌شوند. علاوه بر سردرگمی و مشکل برای تمرکز، جنون ناشی از HIV شامل مشکلات حافظه و مشکلات رفتاری مثل عصبانیت و آسیب‌پذیری و زودرنجی نیز می‌شود. حتا ممکن است تغییرات حرکتی نیز به دنبال داشته باشد: بی‌عرضه شدن، نداشتن هماهنگی و مشکل در کارهایی که نیاز به مهارت‌های حرکتی دارد، مثل نوشتن.

۱۴. تاول تب‌خالی و تب‌خال تناسلی

تب‌خال دهانی و تب‌خال تناسلی نیز می‌توانند هم نشانه‌هایی از ARS و هم عفونت HIV باشند. هم‌چنین داشتن تب‌خال یکی از عوامل خطرزا برای ایجاد HIV است. دلیل آن این است که تب‌خال تناسلی می‌تواند موجب زخم‌هایی شود که وارد شدن HIV به بدن در حین رابطه جنسی را آسان‌تر می‌کند. و شیوع تب‌خال در افرادی که مبتلا به HIV هستند، معمولاً شدیدتر است؛ زیرا سیستم ایمنی ضعیف‌تری دارند.

۱۵. سوزن‌سوزن شدن و ضعف

در مراحل آخر HIV ممکن است احساس سوزن‌سوزن شدن و کرختی در دست‌ها و پاها ایجاد شود که به آن نوروپاتی محیطی می‌گویند که در افرادی که دیابت کنترل‌نشده دارند نیز اتفاق می‌افتد.

در این وضعیت عصب‌ها تخریب می‌شوند. این علائم با مسکن‌ها و داروهای ضدغش برطرف می‌شوند.

۱۶. برهم خوردن نظم قاعده‌گی

HIV پیشرفته احتمال برهم خوردن نظم قاعده‌گی را افزایش داده و عادت‌های ماهیانه معمولاً کم‌تر و سبک‌تر می‌شوند. اما این تغییرات بیشتر به دلیل کاهش وزن و پایین آمدن سطح سلامت زنان مبتلا به این عفونت می‌باشد تا خود عفونت. عفونت HIV هم‌چنین با یائسه‌گی زودرس در ارتباط است (۴۷ تا ۴۸ ساله‌گی در زنان مبتلا در مقایسه با ۴۹ تا ۵۱ ساله‌گی در زنان سالم).

منبع: قطره

انفجار

در خلوت آبی نیروانا

پرتو نادری

یاددهانی کوتاه:

یازدهم مارچ یکی از سیاه‌ترین روزهای فرهنگی در افغانستان است. در همین روز بود که طالبان آن دو تندیس بزرگ بودا را با خاک یکسان کردند و چنان فاجعه‌یی به‌بار آوردند که دیگر به هیچ‌صورت نمی‌توان آن را جبران کرد.

آن‌ها دوازده سال پیش تندیس‌های بزرگ بودا در بامیان را انفجار دادند که خود انفجار تاریخ بود و ویرانی فرهنگ. شاید دهن‌کجی‌یی بود به سوی آنانی که تا بر سکوی گزافه‌گویی‌های خود فراز می‌آیند، از تاریخ پنج‌هزارساله سخن می‌گویند و چه‌ها و چه‌های دیگر. طالبان در فبروری ۲۰۰۱ برنامه تخریب تندیس‌ها را روی دست گرفتند و در یازدهم مارچ با شلیک گلوله‌های سنگین توپ، نه تنها آن شکوه و عظمت تاریخ و فرهنگ را نابود کردند؛ بلکه داغ ننگینی نیز بر تاریخ معاصر افغانستان برجای گذاشتند. نباید این جنایت را فراموش کرد که دیگر نه برای افغانستان جبران‌پذیر است و نه هم برای جهانیان!

در تاریخ هر کشوری و از آن شمار در تاریخ سرزمین ما افغانستان، روزهایی وجود دارند که می‌توان از آن‌ها به نام سیاه‌ترین روزهای تاریخ یاد کرد. یکی از آن روزها که تاریخ افغانستان با شرمساری به یاد خواهد داشت، یازدهم مارچ ۲۰۰۱ است؛ روزی که طالبان بر پیکرهای بزرگ بودا در بامیان آتش گشودند و آن دو یادگار بزرگ تاریخ و فرهنگ را به خاک و خاکستر بدل کردند. حال دیگر، شیون و فریاد، سود و ثمری در پی ندارد. حتی اگر این تندیس‌ها دوباره هم که قد برافرازند، نمی‌توان آن عظمت و شکوه از دست رفته تاریخی را به‌دست آورد.

چه‌قدر شرم‌آور است سرزمینی که ادعای تاریخ و فرهنگ چندهزارساله دارد، برمی‌خیزد و یکی از باعظمت‌ترین، پرشکوه‌ترین و یگانه‌ترین یادگار تاریخ و مدنیت خود را به کلوخ‌پاره‌هایی بدل می‌کند، سپس پاره‌های تاریخ خود را می‌برد به نمک‌بازار یا نمک‌مندوی پشاور و به حراج می‌گذارد. وطن‌فروشی دیگر چه مفهومی می‌تواند داشته باشد؟ باری یکی از گزارش‌گران بخش انگلیسی بی.بی.سی تصویر پاره‌یی از پیکره بودا را در کامره خود برایم نشان داد و گفت که این پاره از پیکره بودا در نمک‌بازار پشاور تا صد هزار دالر خرید و فروش شده و امکان دارد که قیمت آن هم چنان افزایش یابد. تاریخ یک سرزمین، ناموس آن سرزمین است، آن که تاریخ می‌فروشد، همه چیز را می‌فروشد. آن‌که تاریخ را جعل می‌کند، هویت خود را جعل کرده است، و هویت جعلی هم چیزی نیست که بتوان با آن به جرگه فرهنگ و تمدن جهانی راه یافت.

جایی خواندم که باری پولیس پاکستان خانه یکی از فرماندهان نامور افغانستان را که در شهر کوئته به‌سر می‌برد، بازرسی کرد. پولیس به این گمان بود که این فرمانده در سازمان‌دهی قاچاق مواد مخدر در سطح بالایی دست دارد و خانه او به مرکز این فرمان‌دهی بدل شده است. اما پولیس در خانه این فرمانده که اتفاقاً به یکی از خانواده‌های سرشناس افغانستان تعلق دارد، نه هرویین بلکه بخشی از موزیم ملی افغانستان را یافت که جهت انتقال به کشورهای عربی و غربی آماده شده بود. در این گزارش از سرنوشت این آثار چیزی گفته نشده بود.

طالبان در آخرین روزهای فبروری ۲۰۰۱ خود را آماده کردند که تندیس‌های بودا را از میان بردارند. چنین تصمیمی وجدان بشریت را تکان داد و بحث داغی را در رسانه‌های جهان برانگیخت. یاد می‌آید امیل پسرلی گزارش‌گر بخش پشتوی بی.بی.سی در گفت‌وگویی با وکیل احمد متوکل، وقتی او را در پیوند به این امر سوال‌پیش می‌کرد، متوکل معتدل! پاسخی نداشت تا این‌که با لحن خشم‌آلودی گفت: «وروره ته د بتانو مدافع بی؟»

البته پیش از این، منار چکری یگانه منار دوره بودایی افغانستان، نیمه‌شبیی در دامنه‌های خردکابل با صدای دردناکی فرو افتاده بود. باشندگان منطقه نیمه‌شبیی

چنین صدایی را شنیدند، ولی نمی‌دانستند که کمر یکی از ستون‌پایه‌های تاریخ دوره بودایی افغانستان شکسته است. طالبان تا آخر نپذیرفتند که منار چکری را از میان برداشته‌اند؛ اما مردمان محل گفته بودند که صدایی را که آن‌ها نیمه‌شب شنیده‌اند، صدایی بوده از یک انفجار بزرگ. یکی از باشندگان چکری گفته بود: من نمی‌دانستم که این منار چه‌قدر اهمیت دارد؛ اما مردمان دهکده ما خوش بودند که چنین منار و یادگار تاریخی در منطقه آن‌ها وجود دارد. این روزها در پیوند به منار چکری، کمتر سخن گفته می‌شود. گویی ظاهر همه‌گان پذیرفته‌اند که گویا آن منار خود فرو افتاده است. در حالی که منار چکری نخستین قربانی جهالت طالبان

آن سال‌ها بیشتر از پول قاچاق مواد مخدر بوده است. گزارشی وجود دارد که نصیرالله بابر پدر معنوی طالبان، باری پروفیسور احمد درانی باستان‌شناس معروف پاکستان را به خانه خود می‌خواهد تا آثاری تاریخی‌یی را که او در خانه دارد، ببیند و ارزش‌یابی کند. احمد درانی در یکی از گفت‌وگوهای خود بیان داشته بود که او آثار زیادی از موزیم ملی افغانستان و از آن شمار عاج‌های بگرام را در خانه او دیده که برایش شگفت‌انگیز بوده است. گفته می‌شد که خانه نصیرالله بابر و بی‌نظیر بوتو در آن سال‌ها به گونه‌یی به موزیم آثار تاریخی افغانستان بدل شده بود.

طالبان در یازدهم مارچ مأموریت خود را تکمیل کردند



است، شاید به دلیل این‌که یکی از یادگارهای مدنیت بودایی افغانستان بود. گاه چنین دیدگاه‌هایی نیز مطرح شده است که پاکستان با اجرای یک برنامه منظم در تلاش آن بود که به وسیله طالبان هرگونه مظاهر آثار دوره بودایی در افغانستان را نابود کند تا نشان دهد که اساساً افغانستان در مدنیت بودایی سهمی نداشته و ندارد. افزون بر این، بزرگترین بیدادی که در زمان طالبان جریان داشت، کاوش‌های غیرقانونی ساحت باستانی بود. شاید بتوان گفت در آن سال‌ها کمتر ساحت باستانی در افغانستان وجود داشت که از غارت کاوش‌گران غیرقانونی در امان مانده باشد. چنین کاوش‌هایی به گونه گروهی و برنامه‌ریزی شده اجرا می‌شدند. طالبان خود به دزدان ساحت باستانی، اجازه چنین کاری را داده بودند. باری یکی از والیان طالبان در بادغیس گفته بود که آن‌ها خمس آثار به‌دست آمده از کاوش‌های غیرقانونی را دریافت می‌کنند. این خود به این مفهوم است که طالبان به هر گونه کاوش‌های غیرقانونی جواز داده بودند. البته کسانی در قلمرو حاکمیت طالبان چنین کاوش‌هایی را انجام می‌دادند، که گروه‌های مشترک طالب - پاکستانی بودند. در آخرین سال‌های حاکمیت طالبان، گروه‌های دیگری به نام ملنگان، به غارت زیارتگاه‌ها می‌پرداختند. گروه ملنگان که من از غارت‌های تاریخی - فرهنگی آنان گزارش‌هایی در رادیوی بی.بی.سی داشتم، به زیارتگاه‌ها می‌رفتند، ختم و خیرات می‌کردند و مردمان گرسنه منطقه را نان و آبی می‌دادند و شب‌ها نیز به کاوش می‌پرداختند. طالبان کاملاً از چنین رویدادهایی آگاه بودند و حتی می‌توان گفت که چنین جنایت‌هایی در تفاهم با آن‌ها صورت می‌گرفت. در حالی که در سنت‌های مردم افغانستان، بی‌حرمی به زیارتگاه‌ها کار نكوهیده‌یی است. در آن زمان گزارش‌هایی وجود داشت که حتی زیارت پیر کیدانی در کنار فروشگاه بزرگ کابل نیز به وسیله گروه ملنگان کندن‌کاری شده است. قاچاق آثار باستانی افغانستان از همان دوران تا امروز به یکی از پردرآمدترین معامله‌های بازرگانی در منطقه و جهان بدل شده است که اوج آن به سال‌های حاکمیت طالبان برمی‌گردد. چنان‌که گزارش‌هایی وجود دارد که پول به‌دست آمده از قاچاق آثار باستانی افغانستان در

کتیبه‌های تاریخی به نشر رسیده بود که چنین چیزی در آن زمان خود یک حادثه مهم فرهنگی به شمار می‌آمد. پس از تخریب تندیس‌ها، نشریه تندرو «ضرب مومن» وابسته به یکی از گروه‌های هراس‌افکن پاکستانی، سال‌نمایی را به نشر رساند زیر نام «بت‌شکن کلندر». ضرب مومن پیش از این در کابل نیز چهره نموده بود، چنان‌که در نخستین روزهای رسیدن طالبان به کابل، ضرب مومن بر دیوارهای خون‌آلود و زخمین کابل نوشته بودند: «کامیابی مبارک هوا!». گروه ضرب مومن در سال‌نمای خود، تخریب تندیس‌های بامیان را به خواننده‌گان خود مبارک‌باد گفته بود و تصاویر مراحل گوناگون تخریب و انفجار تندیس‌ها را به نشر رسانده بود که دیدن چنان تصاویری، تمام غم و مصیبت جهان را در دل و روان انسان بیدار می‌ساخت. این سال‌نما در بازارهای پشاور و شاید هم شهرهای دیگر پاکستان به فروش می‌رسید. روزی در منطقه بورد در شهر پشاور یکی از جوانان پناهنده افغان با شور و فریاد این سال‌نما را به فروش می‌رساند و فریاد می‌زد: «بت‌شکن کلندر! بت‌شکن کلندر!» و بسیار علاقه داشت که مردم به تصاویر آن توجه کنند.

پیرمرد مهاجری که از کنارش می‌گذشت گفت: «بچیم!». جوان ایستاد و گمان کرد که شاید پیرمرد می‌خواهد یکی از این سال‌نماها را بخرد؛ اما مرد روزگاردیده برای جوان گفت: «بچیم، اگر هم که می‌فروشی، این قدر فریاد مزنی!»

گویی فریاد جوان در گلویش خشکید و خاموش ماند. شاید نمی‌دانست چه بگوید! شاید تازه متوجه شده بود که ضرب مومن، فرهنگ او را خردوخمیر کرده و تاریخ او را به سنگ‌اره‌هایی بدل کرده و حال به وسیله خود او، آن را به فروش می‌رساند!

در آن زمان، طالبان جشن نوروز را تحریم، و تقویم خورشیدی را که همان تقویم جلالی است نیز باطل اعلان کرده بودند! روزهای دردناکی بود. این ماجرا روزها ذهنم را آزار می‌داد تا این‌که این شعر در من ایجاد گردید- هرچند مصیبت گسترده‌تر و ژرف‌تر از آن است که بتوان با چنین شعری بیانش کرد:

سال‌نمای بت‌شکن

نوروز مرده است
و بر نطح خون‌آلود آفتاب
انبوه کرگسان سیاهی

از جمجمه ماه و استخوان ستاره‌گان
سفره آراسته‌اند
نوروز مرده است
و دیگر هیچ کسی
زنده‌گی را

و روشنایی را
با نفس‌های آفتاب اندازه نمی‌گیرد
و دیگر هیچ کسی نمی‌داند که آفتاب در سرزمین من
در سه‌صد و شصت و پنج روز
چند قرن پیر می‌شود

نوروز مرده است
و دیگر هیچ کسی نمی‌داند
که در مراسم اعدام آفتاب
گلوله نخستین را چه کسی شلیک کرد
از جماعت شیطان

نوروز مرده است
و انبوه سوگواران شرمسار
در خلوت آبی «نیروانا»
تنها صدای انفجاری را شنیدند
که ذهن چندین‌هزارساله تاریخ را
از هم متلاشی کرده است
وقتی که «ضرب مومن»
حراج اندام پاره پاره ما را
در چارراه توطیه
در چارراه «سال‌نمای بت‌شکن»
فریاد می‌زد

نوروز مرده بود
و مرده‌گان قرن‌های دور
در گورستان‌های کهنه از شرم لرزیدند
و هزار و چند بار دیگر مردند
وقتی که «ضرب مومن»
بر پیشانی شکسته کابل
با خط جلی نوشت:
کامیابی مبارک هوا!

اپریل ۲۰۰۱
پشاور



کی‌ها از تنش میان ارگ و غرب سود می‌برند؟

احمد عمران

تنش‌ها میان آقای کرزی و غرب در روزهای اخیر به گونه‌ی کم‌سابقه بالا گرفته است. در خصوص دلایل این تنش‌ها، گمانه‌زنی‌های زیادی وجود دارد. موضوع انتخابات ریاست‌جمهوری، انتقاد غرب از کارکرد حکومت به‌ویژه در عرصه مبارزه با فساد اداری و حکومت‌داری خوب، نقش ابهام‌آمیز ارگ در گفت‌وگوهای صلح، همه به عنوان زمینه‌های تنش‌های موجود شناخته شده‌اند. اما پرسش اصلی این‌جاست که این‌گونه تنش‌ها چه سودی به حال کشور می‌تواند داشته باشد؟ کی‌ها از این تنش‌ها می‌توانند به نفع خود استفاده کنند؟ و در آخرین تحلیل، چرا آقای کرزی در آستانه ورود کشور به سال ۲۰۱۴ و یا به اصطلاح خودش سال ۱۳۹۳، این‌همه آشفته و سراسیمه به نظر می‌رسد؟

در این‌که روزی باید نیروهای خارجی افغانستان را ترک کنند، هیچ شبهه‌ی نمی‌تواند وجود داشته باشد. مردم افغانستان حضور نیروهای ناتو را از سر ناگزیری پذیرفته‌اند و در برهه‌ی از زمان، به نفع صلح و ثبات در کشور دانسته‌اند. به همین دلیل در کنفرانس بن اول، جامعه جهانی در همکاری با سازمان ملل متحد، طرح ارسال نیرو به افغانستان را بررسی و سپس به اجرا گذاشت. در آن سال‌ها آقای کرزی با لحن و واژه‌گان دیگری نسبت به سربازان خارجی و کشورهای غربی سخن می‌گفت. او در آن سال‌ها نه تنها حامی حضور غرب در افغانستان بود، بل با تمام وجود از برنامه‌های غربی‌ها - چه معقول و چه غیرمعقول - تا خانه آخر دفاع می‌کرد. در آن سال‌ها آقای کرزی با استفاده از حضور نیروهای ناتو در افغانستان، بسیاری از جریان‌های ملی را که طی دو دهه در برابر دو تجاوز آشکار به افغانستان ایستاده‌گی کرده بودند، ضربه زد و یا برای تهدید این نیروها همواره به بی‌۵۲های آمریکا اشاره داشت.

این روند تا زمان حضور جمهوریخواهان در کاخ سفید ادامه یافت و آقای کرزی هر از گاهی

که دلش تنگ می‌شد، به آمریکا سفر می‌کرد و از مهمان‌نوازی‌های جمهوریخواهان لذت می‌برد. ولی هنوز باراک اوباما به عنوان فردی از حزب دموکرات پایش به کاخ سفید نرسیده بود که میانه آقای کرزی با کاخ سفید نشینان آینده، به تیره‌گی گرایید. باراک اوباما پیش از پیروزی در دور نخست ریاست‌جمهوری‌اش، به منتقد اصلی سیاست‌های ارگ و شخص کرزی تبدیل شد و تلاش کرد با نگاهی جامع‌تر نسبت به جمهوریخواهان، با قضایای افغانستان برخورد کند. با ورود آقای اوباما به کاخ سفید، به گونه آشکار انتقاد از سیاست‌های آقای کرزی آغاز شد و برخی تغییرات در سیاست‌های آمریکا در قبال مسایل کشور پدید آمد؛ تغییراتی که به هر حال به مزاج آقای کرزی و اطرافیان او چندان خوشایند نبود. آقای اوباما به صورت آشکاری تلاش کرد که ضعف‌های سیاست آقای کرزی را نشان دهد و جامعه جهانی را از مشکلاتی که می‌توانست روابط یک‌جانبه با یک فرد یا گروه خاص به وجود آورد، آگاه سازد. از آن زمان تا به حال، مناسبات میان کاخ سفید و ارگ پُرتنش بوده و این تنش‌ها گاهی خود را در قالب سخنان تلخ‌وتند به نشانی یک‌دیگر نشان داده است. حال این‌که در این مناسبات و تنش‌ها کی‌ها مقصر اند، پرسشی‌ست که به آسانی نمی‌توان به آن پاسخ داد. زیرا یک نکته را نباید فراموش کرد که به هر حال غرب و به‌ویژه آمریکا در افغانستان و منطقه بیشتر از آن‌که نگران وضعیت گروه و یا کشور خاصی باشند، به دنبال منافع خود هستند. اما در جهان امروز باید دید که چه نوع مناسباتی می‌تواند منافع کشورها را تأمین کند.

افغانستان - همان‌طور که پیش از این نیز گفته شد - بر اساس یک نیاز مبرم به سمت جامعه جهانی رفت. این نیاز بدون شک دوجانبه بود و منافع هر دو طرف را تأمین می‌کرد و در حال حاضر نیز وضع همین‌گونه است و افغانستان علاوه بر نیازهای اقتصادی و نظامی، به متحدان نیرومند بین‌المللی نیاز دارد. اما آقای کرزی به‌جای این‌که این نیازها را در

سطح ملی و کشوری مطرح کند، به نیازها و منافع خود و اطرافیش دل بسته است. اگر کاخ سفید از آقای کرزی حمایت کند، او حاضر است هر کاری برای منافع غرب انجام دهد. اما اگر غرب کلان‌تر به قضایا نگاه کند و متوجه شود که ادامه حمایت از سیاست‌های آقای کرزی، مساوی با کندن قبر خودش در افغانستان است، آن‌گاه آقای کرزی با عناد نسبت به غرب برخورد می‌کند.

از سوی دیگر، از این‌گونه تنش‌ها تنها کسانی که سود می‌برند، گروه‌های شورشی و به‌ویژه طالبان و حزب اسلامی حکمتیار هستند. خلاف آنچه که آقای کرزی می‌گوید که آمریکایی‌ها با طالبان دست در یک کاسه شده‌اند، این اوست که با طالبان دست در یک کاسه شده و تلاش می‌کند که با معامله کردن با این گروه، در آینده سیاسی کشور برای خود جایگاهی درست کند.

از جهت دیگر نیز، افزایش تنش‌ها میان غرب و ارگ به سود پاکستان و به‌ویژه آی.اس.آی است. این کشور از سال‌های آغاز ورود نیروهای غربی به افغانستان و اعضای پیمان‌های راهبردی با برخی از این کشورها، در پی برهم زدن مناسبات میان افغانستان و غرب بوده است. پاکستان از نزدیکی افغانستان با غرب نه تنها هراس دارد، بل نگران از دست دادن جایگاه سنتی خود در مناسبات منطقه‌ی می‌باشد. پس در نتیجه می‌توان گفت که آقای کرزی با چنین اظهاراتی، نه تنها در پی تحکیم حاکمیت ملی در افغانستان نیست، بل می‌خواهد کشور را به سال‌های تاریک طالبانی ببرد؛ سال‌هایی که مردم افغانستان در زیر تازیانه طالبان و حامیان پاکستانی‌شان، زنده‌گی مرگباری را تجربه می‌کردند. آقای کرزی با هم‌کاسه شدن با آی.اس.آی پاکستان، می‌خواهد قبل از برگزاری انتخابات سال ۲۰۱۴، نظامیان خارجی را از افغانستان بیرون کند و مدیریت جامعه را به پاکستانی‌ها واگذارد. البته به این صورت، منافع شخصی آقای کرزی می‌تواند تأمین شود، ولی افغانستان به سمت بحرانی خطرناک و جنگی مرگبارتر از زمان طالبان خواهد رفت.

به دلیل استفاده از رای سفید از سوی شماری از نماینده‌گان، طولانی شد و بی نتیجه باقی ماند. این موضوع شکایات مردم و شماری از کارشناسان را به دنبال داشت. آنان تأکید داشتند که مجلس باید به زودی هیات اداری خود را تعیین کرده و به کار خود آغاز کند.

جنرال عبدالرزاق، فرمانده پولیس قندهار گفته است "در منطقه آب و هوا خراب بود و هلی کوپتر به ساعت ۱۰ شب سقوط کرد. در آن وقت شورش‌ها در آن منطقه نبودند".

در ماه اگست، هفت سرباز آمریکایی و چهار سرباز افغان هنگامی کشته شدند که یک هلی کوپتر نوع "بلک هوک" در قندهار سقوط کرد. شورشیان طالب مسوولیت سقوط دادن آن هلی کوپتر را بردوش گرفتند.

در اگست سال ۲۰۱۱ یک هواپیمای "چینوک" آمریکایی توسط طالبان نزدیک به کابل سقوط داده شد که بر اثر آن هشت افغان و ۳۰ آمریکایی، به شمول ۲۲ تن از افراد واحدهای ویژه نیروی بحری ایالات متحده آمریکا جان سپردند. این‌ها متعلق به همان واحدهایی بودند که در اوایل همان سال اسامه بن لادن را در کشور همسایه پاکستان به قتل رساندند. سقوط یک جت نظامی در خود ایالات متحده آمریکا طبق گزارش رسانه‌های ایالات متحده آمریکا به روز دوشنبه نیز بر اثر سقوط یک هواپیمای جت نیروهای بحری ایالات متحده آمریکا در ایالت واشنگتن، همه سه تن از سرنشینان آن جان‌های شان را از دست داده اند. به گزارش روزنامه "لاس آنجلس تایمز" این هواپیمای چهار نفره نوع "b Prpwlr-EA" در ۸۰ کیلو متری غرب شهر "سپاکن" به زمین خورده است. این هواپیما در حال یک پرواز تمرینی بوده است.

یاسینی و عبیدالله کلیمزی و برای پست منشی اول بین سید اکرام و داوود کلکانی برگزار شد. با کسب آرای اکثریت اعضای حاضر در مجلس، میرویس یاسینی به عنوان معاون اول و سید اکرام به عنوان منشی اول انتخاب شدند.

انتخابات اعضای هیات اداری در چند روز گذشته

سقوط هلی کوپتر جان پنج سرباز آمریکایی را گرفت



است که کشته شده‌گان سربازان ایالات متحده آمریکا می‌باشند. آیساف گفته است: "یافتن عامل سقوط زیرتحقیق قرار دارد. گرچه گزارش‌های اولیه حاکی از آن است که در آن وقت در آن ساحه کدام فعالیت دشمن وجود نداشته است".

در افغانستان که حدود ۱۰۰ هزار تن نیروهای بین‌المللی برای پیشبرد ماموریت شان به انتقالات هوایی بسیار متکی می‌باشند، سقوط هلی کوپتر امری است که معمولاً اتفاق می‌افتد.

بالاخره هیأت اداری...

کنند. اگر چهارمین دور انتخابات نیز بی نتیجه به پایان برسد، انتخابات علنی خواهد شد.

سه دور انتخابات برای پست معاون اول و منشی اول مجلس بی نتیجه مانده بود و به اساس این اصل، دور چهارم انتخابات برای پست معاون اول بین میرویس

می‌کوشیم در بازار بین‌المللی...

زراعتی بی‌نظیری دارد ولی به دلیل عدم توانایی در استندردسازی، محصولات زراعتی افغانستان در بازارهای جهان مشتری ندارد.

مقام‌ها در حکومت افغانستان می‌گویند بعضی از میوه‌ها و محصولات زراعتی افغانستان بهترین کیفیت را دارند. اما به دلیل نبود شرکت‌هایی که این محصولات را به صورت فنی و با معیارهای جهانی بسته بندی کنند، سبب شده تا افغانستان جایگاه خود را در بازارهای جهانی پیدا نتواند. آقای احدی گفت حالا این تلاش‌ها آغاز شده است: «تلاش ما این است که صنایع ما بهتر شود تا در بازار رقابت بهتر کنند. ما می‌کوشیم تا در بازار جهانی رقابت کنیم و جایگاه در بازارهای بین‌المللی نیز داشته باشیم». قرار است بانک جهانی مشاوران بین‌المللی را برای آموزش صنعت گران افغانستان استخدام کند تا شرکت‌های تولیدی افغانستان ویژگی‌ها و نیازمندی‌های بازارهای جهانی را تفکیک کنند.

وزیر تجارت گفت بخشی از این کمک به ارتقای ظرفیت شرکت‌های افغانی به مصرف می‌رسد تا توان رقابت آن‌ها در بازار، بلند برده شود: «یک قسمت زیاد این کمک‌ها برای مشوره‌دهی به مصرف می‌رسد تا متشبه خوب تر تولید کند. همچنین یک قسمت این کمک برای بهبود ظرفیت‌های اداری در شرکت‌ها به مصرف می‌رسد».

رییس بانک جهانی در افغانستان گفت این پروژه به کارپایی کمک می‌کند، اقتصاد را تقویت می‌نماید و درآمد می‌آفریند.

براساس اظهارات مسوولان بانک جهانی قرار است شرکت‌های خصوصی در ولایات کابل، بلخ، ننگرهار و هرات از این کمک‌ها بهره‌مند شوند.

مشکل عمده در پروسه...

سیاسی، جامعه مدنی، نهادهای برگزارکننده انتخابات، نهادهای مرتبط به انتخابات و حتی جامعه بین‌المللی بیاید که در راستای اعتمادسازی تلاش کنیم به مثبت‌گرایی رو آورده و اعتماد عمومی را جلب کرده و یک مشارکت خوب را هم از زنان و مردان در انتخابات داشته باشیم».

رییس کمیسیون مستقل انتخابات می‌گوید: هرگاه باور مردم در مورد انتخابات متضرر شود، پس در آینده یک انتخابات ضعیف خواهند داشت و در نتیجه یک حکومت ضعیف به میان خواهد آمد.

به باور آقای معنوی، با ظهور نمودن یک حکومت ضعیف، موقف قوی افغانستان کنونی هم در نزد جهان ضعیف شده و اعتماد جهانیان بر این کشور کاهش خواهد یافت.

رییس کمیسیون مستقل انتخابات از علمای دین خواست، تا به خاطر سهم گرفتن فعال زنان در انتخابات آینده از طریق مساجد تبلیغ کرده و به مردم آگاهی بدهند.

در این حال، رحیمه جامی رییس پلیسی و پلان وزارت امور زنان گفت: بر علاوه نامنی، عدم آگاهی و ناتوانی زنان نیز سبب شده است تا آنان در انتخابات کمتر سهم بگیرند. وی نیز از علمای دینی خواست تا از طریق آگاهی عامه زنان را برای شرکت در انتخابات تشویق نمایند.

به اساس معلومات وزارت امور زنان، در انتخابات گذشته حدود ۴۰ درصد زنان سهم گرفته بودند.

بهبودی در اوضاع...

ضرورت دارد».

آیساف دوهفته پیش به ارتکاب اشتباه در ارایه آن آماری اعتراف نمود که در سال گذشته حکایت از کاهش حملات طالبان داشت. آیساف تا هنوز هم بر آن ارزیابی از اوضاع بر مبنای ارقام اشتباه آمیز ایستادگی می‌کند که اوضاع در افغانستان بهبود یافته است.

امریکا بر سر معادن...

دومین بار است که حامد کرزی به شدت به نحوه فعالیت نظامیان آمریکایی در افغانستان اعتراض کرده است.

رییس جمهور روز گذشته گفت که جنگ طالبان در هلمند برای دفاع از مردم این ولایت نیست؛ بلکه به گفته او، این جنگجویان برای منافع شان می‌جنگند.

او می‌گوید که سران طالبان از پاکستان با طیاره‌های پیشرفته به کشورهای اروپایی سفر می‌کنند اما جنگجویان شان در افغانستان حمله انتحاری می‌کنند و مردم بی‌گناه را می‌کشند. رییس جمهور تأکید کرد که جنگ در افغانستان صادقانه و عادلانه نیست و برای از بین بردن تروریسم باید لانه‌های آنان در خارج از افغانستان از بین برده شود.



خانواده‌های قربانیان پنجوایی:

سرباز جانی امریکایی اعدام شود



خانواده‌های قربانیان حادثه قریه زنگاوات در ولسوالی پنجوایی ولایت قندهار خواهان اعدام آن سرباز امریکایی هستند که یک سال قبل ۱۷ تن از اعضای خانواده آن‌ها را به قتل رساند.

این گفته‌ها در حالی مطرح می‌شوند که شش تن از بزرگان این خانواده‌ها به امریکا رسیده اند و قرار است در محاکمه سرباز متهم به قتل شرکت کنند.

سمیع الله، عضو یکی از خانواده‌های این قربانیان است که هفت تن از اعضای خانواده‌اش در آن حادثه قربانی شدند. او می‌گوید که یک سال از وقوع این قتل می‌گذرد و آن‌ها همچنان انتظار می‌کشند که حکومت امریکا سربازی را محکوم به اعدام کند که در جریان آن شب، غیر نظامیان افغان را به قتل رسانده است. او می‌افزاید که این فرد مستحق بخشیدن نیست، خوب می‌بود هرگاه او در همین جا (افغانستان) محاکمه می‌شد.

سمیع الله می‌گوید: «تقریباً یک سال می‌شود که ما انتظار می‌کشیم، دولت افغانستان ناتوان

خانواده اش کشته شده اند. او هم خواهان محاکمه شفاف آن سرباز امریکایی است که متهم به این قتل دسته جمعی می‌باشد. او می‌گوید که اداره عدلی و قضایی ایالات متحده امریکا باید به آنها حقشان را بدهد. او علاوه می‌کند: «ما فقط حق خود را می‌خواهیم، هر چیزی که حقمان است همان را می‌خواهیم. ما می‌خواستیم که این فرد در افغانستان محاکمه شود، اما از قدرت ما خارج بود.»

به قول وی تا کنون نیز در منطقه آنان مردم بی‌گناه به بهانه‌های مختلف به قتل می‌رسند. عبدالباقی اضافه می‌کند که آنها صدای شان را به همه مقامات رسانده اند اما هیچ کس به گفته‌های شان توجهی ننموده و در زمینه بررسی انجام نداده است.

بنا به گفته وی در منطقه آن‌ها نا امنی به اوج خود رسیده است و لازم است که مقامات محلی و مسوولین بین‌المللی به گفته‌های آنان گوش فرادهند و برای حل این مشکل اقدام نمایند. وی می‌گوید: «حالا هم هر روز در ولسوالی ما روزی دو یا سه نفر کشته می‌شوند، جلوگیری از این وضعیت در توان هیچ کس نیست، نه کرزی می‌تواند جلوش را بگیرد و نه کس دیگری، هیچ امنیت نیست هر روز به جز کشته شدن مردم دیگر اینجا خبری نیست.»

بنا بر اظهارات شاهدان عینی، یک سال قبل، رابرت بیلز، سرباز ۳۸ ساله امریکایی شب هنگام به دو محل در روستای زنگاوات در ولسوالی پنجوایی ولایت قندهار حمله ور شد و ۱۷ غیر نظامی افغان را که شامل زنان، کودکان و ریش سفیدان می‌شد به ضرب گلوله از پای در آورد و سپس جسد‌های آنان را به آتش کشید.

پس از وقوع رویداد این سرباز بازداشت شد و از یک سال قبل به این سو در زندان نظامی لیون ورث در ایالت کنساس در امریکا زندانی می‌باشد.

توضیحاتی در مورد...

کند. همه خواهان مساوات بودند. جناب دکتر مهدی بعداً به درج نام شاه سابق در قانون اساسی، زبان سرود ملی و ساختار نظام سیاسی - اداری و مخالفت با خطاب «افغان» به هموطنان ما می‌پردازد و می‌نویسد که با هفده عضو دیگر به دیدن رییس لویه‌جرگه رفتند تا مشکلات عاید را مرفوع سازند و نتیجه‌گیری می‌کند که در پایان مباحثه «یکی دو تنی که مخالف سازش‌ها بودیم، تنها ماندیم و غوغای دوستان خودمان، ما را خاموش ساخت.»

در این‌جا دکتر مهدی، خود نظریات و پیشنهادت خویش را تول و ترازو می‌کند و می‌نویسد که «یکی دو تنی که... اگر عارض یک نفر باشد که فقط خودش است؛ ولی اگر دو نفر باشند، دیده می‌شود که نظریات جناب دکتر فقط یک طرف‌دار داشته و بس!

در مورد چه‌گونه‌گی نظام سیاسی - اداری کشور باید گفت که در وقت تدویر لویه‌جرگه قانون اساسی، یگانه صدایی که برای فدرالی شدن افغانستان بلند شد، از چند وکیل ازبک و آقای عبدالحفیظ منصور بود. صدای ازبک‌ها فوراً با مخالفت جنرال دوستم قطع گردید. او می‌گفت که شما چرا در چنین وضعیتی، موضوع فدرالی را مطرح می‌کنید؟ و آقای منصور نیز تنها ماند.

قابل تذکر است که در روزهای تدویر لویه‌جرگه، نماینده‌گان تاجیک و هزاره طرف‌دار یک سیستم متمرکز بودند. زیرا با حالتی که افغانستان بعد از سال‌ها جنگ آزادی‌بخش، جنگ‌های خانمان‌سوز داخلی و دوران حاکمیت انارشسیسم و طالبان داشت، رفتن به طرف فدرالیسم عملی به نظر نمی‌رسید. نخست، به یک دولت مرکزی نیاز بود تا نظم و قانون را

اعاده نماید و بعد از آن نیز طبعاً این حق مردم هست که درباره نوعیت نظام سیاسی کشورشان تصمیم بگیرند.

دکتر مهدی در بخشی دیگر از مقاله خویش، به اهمیت نامه روهرا باکر اشاره می‌کند که گویا با این کشف، تاریخ مسکوت دوازده‌سال اخیر افغانستان را روشن ساخته است. وی از قول باکر نقل می‌کند که «خلیل‌زاد و اخضر ابراهیمی (نماینده سابق سرمشنی سازمان ملل متحد) تمام مساعی رهبرانی را خنثا کردند که واقعاً در مقابل طالبان جنگیده بودند.»

اما در این‌جا بهتر است موضوع به همین رهبران محول گردد تا خود لب بگشایند و مسایل را روشن سازند.

دکتر مهدی بعداً به موضوع مداخله دکتر خلیل‌زاد برای بیرون کردن اسماعیل‌خان از هرات پرداخته و از قول یکی از دست‌یاران موصوف می‌نویسد که: «وی در مأموریتش برای بیرون کردن اسماعیل‌خان از هرات، به تهدید نظامی متوسل شد. اسماعیل‌خان هیچ علاقه‌ی به دور شدن از هرات و آمدن به کابل نداشت. از همین‌رو به خواست خلیل‌زاد پاسخ منفی داد. خلیل‌زاد به حضور نیروهای نظامی امریکا در افغانستان، مخصوصاً در هرات و شیندند اشاره کرد و گفت که در صورت لزوم، از آنان استفاده خواهد شد. (الهعهده علی الراوی)».

طوری که دیده می‌شود جناب دکتر مهدی به صحت نقل قول، بسیار اعتماد ندارد و مسوولیت صحت آن را به راوی حواله کرده است. اما واقعیت این است که اسماعیل‌خان می‌خواست انجام خدمات خود را برای مردم، از سطح یک ولایت به سطح تمام افغانستان گسترش دهد و استفاده از دانش و تجارب غنی خود را همه‌گانی و سراسری سازد.

دکتر مهدی مسأله استفاده از کارت‌های

وزارت تحصیلات عالی:

۴۲ هزار بی‌نتیجه کانکور در موسسات تحصیلات عالی خصوصی جذب می‌شوند

وزارت تحصیلات عالی می‌گوید براساس تفاهم‌نامه‌ی که با اتحادیه موسسات تحصیلات عالی خصوصی امضا کرده‌اند، در سال ۱۳۹۲ دست‌کم چهل هزار دانش‌آموز با تخفیف و دوهزار تن دیگر، به شکل بورسیه (رایگان) در موسسات تحصیلات عالی خصوصی، جذب می‌شوند.

در تفاهم‌نامه‌ی که میان ریاست موسسات تحصیلات عالی خصوصی و اتحادیه موسسات تحصیلات عالی خصوصی با حضور دکتر عبدالله عبید وزیر تحصیلات عالی به امضاء رسید، ۴۵ موسسه تحصیلات عالی خصوصی در مرکز و ولایات آماده جذب این دانش‌آموزان شده‌اند.

دانش‌آموزانی که قرار است در موسسات تحصیلات عالی خصوصی جذب شوند، در امتحان کانکور وزارت تحصیلات عالی بی‌نتیجه مانده بودند.

بر اساس این تفاهم‌نامه، دو هزار جوانی که در امتحان کانکور بی‌نتیجه مانده‌اند، به گونه رایگان و متباقی با تخفیف در موسسات تحصیلات عالی خصوصی جذب می‌شوند.

دکتر عبدالله عبید وزیر تحصیلات عالی در مراسم امضای این تفاهم‌نامه گفت: «موسسات تحصیلات عالی خصوصی در کل متعهد شده‌اند که برای حدود ۳۲ هزار تن فرصت مساعد سازند که در این‌جا دو هزار تن تمام دوره تحصیل‌شان به شکل رایگان در موسسات تحصیلات عالی خصوصی سپری می‌شود و متباقی با تخفیف جذب می‌شوند. ۱۰ هزار جوان دیگر که بی‌نتیجه

بر اساس این تفاهم‌نامه، دو هزار جوانی که در امتحان کانکور بی‌نتیجه مانده‌اند، به گونه رایگان و متباقی با تخفیف در موسسات تحصیلات عالی خصوصی جذب می‌شوند.

دکتر عبدالله عبید وزیر تحصیلات عالی در مراسم امضای این تفاهم‌نامه گفت: «موسسات تحصیلات عالی خصوصی در کل متعهد شده‌اند که برای حدود ۳۲ هزار تن فرصت مساعد سازند که در این‌جا دو هزار تن تمام دوره تحصیل‌شان به شکل رایگان در موسسات تحصیلات عالی خصوصی سپری می‌شود و متباقی با تخفیف جذب می‌شوند. ۱۰ هزار جوان دیگر که بی‌نتیجه

بر اساس این تفاهم‌نامه، دو هزار جوانی که در امتحان کانکور بی‌نتیجه مانده‌اند، به گونه رایگان و متباقی با تخفیف در موسسات تحصیلات عالی خصوصی جذب می‌شوند.

دکتر عبدالله عبید وزیر تحصیلات عالی در مراسم امضای این تفاهم‌نامه گفت: «موسسات تحصیلات عالی خصوصی در کل متعهد شده‌اند که برای حدود ۳۲ هزار تن فرصت مساعد سازند که در این‌جا دو هزار تن تمام دوره تحصیل‌شان به شکل رایگان در موسسات تحصیلات عالی خصوصی سپری می‌شود و متباقی با تخفیف جذب می‌شوند. ۱۰ هزار جوان دیگر که بی‌نتیجه

بر اساس این تفاهم‌نامه، دو هزار جوانی که در امتحان کانکور بی‌نتیجه مانده‌اند، به گونه رایگان و متباقی با تخفیف در موسسات تحصیلات عالی خصوصی جذب می‌شوند.

دکتر عبدالله عبید وزیر تحصیلات عالی در مراسم امضای این تفاهم‌نامه گفت: «موسسات تحصیلات عالی خصوصی در کل متعهد شده‌اند که برای حدود ۳۲ هزار تن فرصت مساعد سازند که در این‌جا دو هزار تن تمام دوره تحصیل‌شان به شکل رایگان در موسسات تحصیلات عالی خصوصی سپری می‌شود و متباقی با تخفیف جذب می‌شوند. ۱۰ هزار جوان دیگر که بی‌نتیجه

بر اساس این تفاهم‌نامه، دو هزار جوانی که در امتحان کانکور بی‌نتیجه مانده‌اند، به گونه رایگان و متباقی با تخفیف در موسسات تحصیلات عالی خصوصی جذب می‌شوند.

دکتر عبدالله عبید وزیر تحصیلات عالی در مراسم امضای این تفاهم‌نامه گفت: «موسسات تحصیلات عالی خصوصی در کل متعهد شده‌اند که برای حدود ۳۲ هزار تن فرصت مساعد سازند که در این‌جا دو هزار تن تمام دوره تحصیل‌شان به شکل رایگان در موسسات تحصیلات عالی خصوصی سپری می‌شود و متباقی با تخفیف جذب می‌شوند. ۱۰ هزار جوان دیگر که بی‌نتیجه

بر اساس این تفاهم‌نامه، دو هزار جوانی که در امتحان کانکور بی‌نتیجه مانده‌اند، به گونه رایگان و متباقی با تخفیف در موسسات تحصیلات عالی خصوصی جذب می‌شوند.

دکتر عبدالله عبید وزیر تحصیلات عالی در مراسم امضای این تفاهم‌نامه گفت: «موسسات تحصیلات عالی خصوصی در کل متعهد شده‌اند که برای حدود ۳۲ هزار تن فرصت مساعد سازند که در این‌جا دو هزار تن تمام دوره تحصیل‌شان به شکل رایگان در موسسات تحصیلات عالی خصوصی سپری می‌شود و متباقی با تخفیف جذب می‌شوند. ۱۰ هزار جوان دیگر که بی‌نتیجه

بر اساس این تفاهم‌نامه، دو هزار جوانی که در امتحان کانکور بی‌نتیجه مانده‌اند، به گونه رایگان و متباقی با تخفیف در موسسات تحصیلات عالی خصوصی جذب می‌شوند.

دکتر عبدالله عبید وزیر تحصیلات عالی در مراسم امضای این تفاهم‌نامه گفت: «موسسات تحصیلات عالی خصوصی در کل متعهد شده‌اند که برای حدود ۳۲ هزار تن فرصت مساعد سازند که در این‌جا دو هزار تن تمام دوره تحصیل‌شان به شکل رایگان در موسسات تحصیلات عالی خصوصی سپری می‌شود و متباقی با تخفیف جذب می‌شوند. ۱۰ هزار جوان دیگر که بی‌نتیجه

بر اساس این تفاهم‌نامه، دو هزار جوانی که در امتحان کانکور بی‌نتیجه مانده‌اند، به گونه رایگان و متباقی با تخفیف در موسسات تحصیلات عالی خصوصی جذب می‌شوند.

دکتر عبدالله عبید وزیر تحصیلات عالی در مراسم امضای این تفاهم‌نامه گفت: «موسسات تحصیلات عالی خصوصی در کل متعهد شده‌اند که برای حدود ۳۲ هزار تن فرصت مساعد سازند که در این‌جا دو هزار تن تمام دوره تحصیل‌شان به شکل رایگان در موسسات تحصیلات عالی خصوصی سپری می‌شود و متباقی با تخفیف جذب می‌شوند. ۱۰ هزار جوان دیگر که بی‌نتیجه

بر اساس این تفاهم‌نامه، دو هزار جوانی که در امتحان کانکور بی‌نتیجه مانده‌اند، به گونه رایگان و متباقی با تخفیف در موسسات تحصیلات عالی خصوصی جذب می‌شوند.

چشم‌پیدی از قیام...

تمام ولسوالی‌ها سرایت کرد و قیام مردم ولسوالی‌های هرات نیز آغاز شد. بنده شاهد گزارش‌ها و واقعیت‌های قیام ولسوالی شیندند بودم.

ولسوالی شیندند در نزدیکی میدان هوایی این منطقه قرار دارد. از این‌رو، به‌هدف سرکوب قیام‌کننده‌گان، کندک محافظ میدان هوایی و هواپیماهای جنگی موجود در آن، موظف شدند که بدون هیچ ترحمی، بالای همه آتش بگشایند. به چشم خود دیدم که یک فرد خلقی، زنی پنجاه - شصت‌ساله را که در بازار همراه با قیام‌کننده‌گان اله‌اکبرگویان در حال راه‌پیمایی بود، با برچه اسلحه محکم بر سینه‌اش کوبید و همان‌دم به شهادتش رساند.

پس از سرکوب شدید مردم شیندند، کندک یاد شده، به طرف ولسوالی فارس که در شرق میدان هوایی قرار دارد، اعزام گردید. قوماندان کندک محافظه عملیاتی افضل امری بریدمن که بر اثر کشتار زیاد مردم رتبه‌های فوق‌العاده و موقعیت‌های بالا را کسب نموده بود، چنین گزارش داد:

«ما توسط عساکر خود، مناطق مسکونی و قریه‌ها را محاصره نمودیم. بعد به آتش‌باری آغاز کردیم. زمانی که ما در حال فیر بودیم، اطفال به طرف ما دوان دوان آمدند، ما به طرف آن‌ها نیز آتش گشودیم و تمام‌شان را از بین بردیم...»

حسین خان قوماندان گارنیزویون، پس از شنیدن گزارش افضل امان (قوماندان کندک محافظه عملیاتی) به او گفت: «آفرین شیرمرد!»

امثال افضل امان، به‌سرعت به رتبه جنرالی می‌رسیدند. و با تأسف و درد این‌که: چنین قاتلین و جنایت‌کارانی، اکنون نیز موقوفه‌های بلندی دارند. حال آن‌که مردم افغانستان از شر آن‌ها و جور و ستم‌شان، عزیزان خود را از دست دادند و به هر طرف مهاجر شدند.

گارنیزویون میدان شیندند، به انتقال اموال مردم به قریه‌ها و مراکز ولسوالی‌ها شروع کردند و به مدت یک هفته یا بیشتر از آن، روزانه به تعداد شش عراده موتر ده‌تایره، تمام اموال مردم از قبیل قالین، گلیم، کمپل، دوشک، لحاف، ظروف آشپزخانه، ظروف جای‌خوری، ظروف نان‌خوری، بکس‌های لباس، زیورات، پول نقد و ... را جمع‌آوری کرده به دبیوهای میدان انتقال دادند. چند روز این اموال از نظر بسیاری

منسوبان پنهان ماند؛ زیرا در میان آن‌ها، اموال انتیک و قیمتی زیادی وجود داشت. حرب خلق و پرچم تمام دارایی مردم را بین خود تقسیم و متباقی را در یک میدان کشمیره لیلام کردند.

یک سرباز کندک به‌نام افضل آرمان چنین حکایت نمود: «حین جمع‌آوری اموال مردم، قوماندان تولی به ما امر نمود که داخل فلان منزل شوید و تمام اموال آن را در موتر بار کنید. ما داخل منزل شدیم و دیدیم در صحن حویلی یک گلیم ساخت همان‌مردم هوار است و یک زن سی - سی‌وپنج ساله همراه طفل‌های شش‌ماهه، یک‌ونیم‌ساله و سه‌ساله‌اش روی گلیم نشسته است. ما سربازان تمام اموال را جمع نمودیم و در موتر بار کردیم. در اخیر، قوماندان تولی داخل حویلی شد و گفت: چه کردید؟ گفتیم همه چیز بار شد. بعد قوماندان گوشه آن گلیم را نیز گرفت و در حالی که مادر اطفال به حال گریه این طرف و آن طرف می‌دوید، گلیم را چنان تکان داد که هر سه طفل به روی خاک افتادند. گلیم را در موتر انداخت و مقداری آرد که در بوجی بود را کش کرده از موتر پاشیدن گرفت. زن خانه گفت این آرد بس شما خاینین است. زن مذکور آستین خود را بالا کرد و بازوی خود را چنان بالای زلفی دروازه کش نمود که پاره شد و خون آن را به روی قوماندان پاشید و گفت این خون روزی انتقام خواهد گرفت.»

از این پس، جور و چپاول اموال و دارایی‌های مردم به بهانه فیودال و سرمایه‌دار بودن، شروع شد. هیچ‌کس حق انتقال و فروش اموال و ملکیت خود را نداشت. زمین‌های مردم میان طرف‌داران رژیم تقسیم شد.

به هر رو، شرح تمام جنایات خلق و پرچم، به بحثی طولانی و مفصل ضرورت دارد که در این مقال نمی‌گنجد. ولی اکنون دردآور این است که تعدادی از قاتلین آن دوره، به‌نام کارشناس در میزهای گرد رسانه‌ها با کمال چشم‌پاره‌گی و بی‌حیایی سخن می‌گویند و نظریه می‌پردازند. آیا مردم آن‌ها را نمی‌شناسند؟

این‌ها از عضویت در دولت مجاهدین سوء‌استفاده کرده و می‌کنند. این جنرالان بی‌عقل و بی‌منطق که در سیاست‌های خود ناکام ماندند و تمام بدبختی‌های امروز افغانستان، ثمره اعمال گذشته آن‌هاست، اکنون چه‌گونه از مسلک سخن می‌گویند آن‌هم در حالی که خودشان دارای هیچ مرام و مسلکی نبوده‌اند.

این‌ها از عضویت در دولت مجاهدین سوء‌استفاده کرده و می‌کنند. این جنرالان بی‌عقل و بی‌منطق که در سیاست‌های خود ناکام ماندند و تمام بدبختی‌های امروز افغانستان، ثمره اعمال گذشته آن‌هاست، اکنون چه‌گونه از مسلک سخن می‌گویند آن‌هم در حالی که خودشان دارای هیچ مرام و مسلکی نبوده‌اند.

این‌ها از عضویت در دولت مجاهدین سوء‌استفاده کرده و می‌کنند. این جنرالان بی‌عقل و بی‌منطق که در سیاست‌های خود ناکام ماندند و تمام بدبختی‌های امروز افغانستان، ثمره اعمال گذشته آن‌هاست، اکنون چه‌گونه از مسلک سخن می‌گویند آن‌هم در حالی که خودشان دارای هیچ مرام و مسلکی نبوده‌اند.

این‌ها از عضویت در دولت مجاهدین سوء‌استفاده کرده و می‌کنند. این جنرالان بی‌عقل و بی‌منطق که در سیاست‌های خود ناکام ماندند و تمام بدبختی‌های امروز افغانستان، ثمره اعمال گذشته آن‌هاست، اکنون چه‌گونه از مسلک سخن می‌گویند آن‌هم در حالی که خودشان دارای هیچ مرام و مسلکی نبوده‌اند.

این‌ها از عضویت در دولت مجاهدین سوء‌استفاده کرده و می‌کنند. این جنرالان بی‌عقل و بی‌منطق که در سیاست‌های خود ناکام ماندند و تمام بدبختی‌های امروز افغانستان، ثمره اعمال گذشته آن‌هاست، اکنون چه‌گونه از مسلک سخن می‌گویند آن‌هم در حالی که خودشان دارای هیچ مرام و مسلکی نبوده‌اند.

این‌ها از عضویت در دولت مجاهدین سوء‌استفاده کرده و می‌کنند. این جنرالان بی‌عقل و بی‌منطق که در سیاست‌های خود ناکام ماندند و تمام بدبختی‌های امروز افغانستان، ثمره اعمال گذشته آن‌هاست، اکنون چه‌گونه از مسلک سخن می‌گویند آن‌هم در حالی که خودشان دارای هیچ مرام و مسلکی نبوده‌اند.

این‌ها از عضویت در دولت مجاهدین سوء‌استفاده کرده و می‌کنند. این جنرالان بی‌عقل و بی‌منطق که در سیاست‌های خود ناکام ماندند و تمام بدبختی‌های امروز افغانستان، ثمره اعمال گذشته آن‌هاست، اکنون چه‌گونه از مسلک سخن می‌گویند آن‌هم در حالی که خودشان دارای هیچ مرام و مسلکی نبوده‌اند.

این‌ها از عضویت در دولت مجاهدین سوء‌استفاده کرده و می‌کنند. این جنرالان بی‌عقل و بی‌منطق که در سیاست‌های خود ناکام ماندند و تمام بدبختی‌های امروز افغانستان، ثمره اعمال گذشته آن‌هاست، اکنون چه‌گونه از مسلک سخن می‌گویند آن‌هم در حالی که خودشان دارای هیچ مرام و مسلکی نبوده‌اند.

این‌ها از عضویت در دولت مجاهدین سوء‌استفاده کرده و می‌کنند. این جنرالان بی‌عقل و بی‌منطق که در سیاست‌های خود ناکام ماندند و تمام بدبختی‌های امروز افغانستان، ثمره اعمال گذشته آن‌هاست، اکنون چه‌گونه از مسلک سخن می‌گویند آن‌هم در حالی که خودشان دارای هیچ مرام و مسلکی نبوده‌اند.

چشم دیدی از قیام قهرمانانه ۲۴ حوت مردم هرات



دگروال عبدالقدوس همت

این دو قوماندان تولى که تعداد زیادی از افسران و سربازان فرقه را با خود داشتند، می گفتند: ما این شورای قاتلان را نمی شناسیم و در مقابل آن ها مبارزه می کنیم. همین گونه هم شد؛ آنان با دولت تره کی مجاهده و ستیز کردند و در نتیجه، به تاریخ ۲۳ حوت ۱۳۵۸ قیام عمومی از این فرقه آغاز گردید.

قیام کنندگان فرقه را تصرف و جنگ علیه خلقی ها به شدت در گرفت. من شاهد صحنه بودم که حفیظ الله به حسین خان قوماندان گارنیزون میدان هوایی شیندند گفت: «به تمام قوت، توسط بمبارد طیاره فرقه را از بین ببرید». بمبارد و حملات هواپیماهای ۲۸- ال و میگ ۱۷ آغاز شد. مردم عوام و بی دفاع دیدند که فرقه قیام نموده و از طرف رژیم بمبارد می شود، احساس کردند که باید به کمک و یاری آن ها بشتابند. از این رو، قیام سرتاسری در شهر هرات آغاز شد و همین طور بمبارد هواپیماها از

به مجرد کودتای خونین و سیاه هفت ثور ۱۳۵۸ او به قدرت رسیدن حزب خلق و پرچم، قوماندانان دو تولى فرقه هرات از تسلیم شدن به شورای نام نهاد انقلابی، ابا ورزیدند. بنده در آن وقت در میدان هوایی شیندند در دستگاه مرکزی محابره، وظیفه داشتم و از تمام گزارش ها و وقایع، معلومات کافی. شورای انقلابی، هرچه عاجل از گارنیزون شیندند راجع به بیعت قطعات نظامی معلومات می خواست؛ اما پاسخ قوماندانی گارنیزون شیندند چنین بود: در فرقه هرات تعدادی از صاحب منصبان تحت قوماندان تورن محمد اسماعیل خان و علاءالدین خان هستند که علیه رژیم در حال قیام می باشند و هرگز در برابر حکومت بی خدایان تسلیم نمی گردند.

رییس کمیسیون انتخابات: مشکل عمده در پروسه انتخابات بی اعتمادی مردم است



رییس کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان می گوید: در کنار سایر مشکلاتی که بر سر راه پروسه انتخابات وجود دارد، یک مشکل عمده بی اعتمادی مردم نسبت به شفاف بودن پروسه انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ میلادی می باشد.

کمیسیون مستقل انتخابات می گوید، اگر بی اعتمادی مردم در مورد انتخابات آینده افغانستان افزایش یابد، کشور در آینده به یک انتخابات ناکام دست خواهد یافت.

فضل احمد معنوی رییس این کمیسیون که روز سه شنبه در نشست بنیاد انتخابات شفاف روی سهم فعال زنان در مسایل سیاسی صحبت می کرد، گفت در حال حاضر در مورد انتخابات از طرف جناح های مختلف نظریات منفی ارایه می گردد.

آقای معنوی از حکومت افغانستان، احزاب سیاسی، اپوزیسیون و جامعه جهانی خواست تا به هدف بلند بردن اعتماد مردم به خاطر انتخابات آینده کار نمایند.

او گفت: «همه جوانب زیدخل در قضیه انتخابات در راس حکومت افغانستان، اپوزیسیون، احزاب... ادامه صفحه ۶»

میدان هوایی تاشکند و عشق آباد نیز شدت گرفت. فرقه هرات متلاشی گشت و عده ای از منسوبین قرار پیمانی که داشتند، علیه رژیم شده و با توپ و تانک و سایر تجهیزات، به طرف غرب کوه های هم جوار رفتند و موضع گرفتند. ترکی به ارتش امر داد که شهر هرات را ویران کنند. خون تمام مردم؛ زن، مرد، پیر و جوان به جوش آمد. بالای مراکز امنیتی شهر یورش بردند و تعداد زیادی اسلحه به دست آوردند. توپ ها و دافع هوا در زیر پل ها به روی هواپیماهای جنگی رژیم آتش می گشودند. البته جنگنده ها نیز بر منطقه بمب می انداختند.

گل آغا قوماندان فرقه و مشاورین روسی، همه همراه فامیل شان به میدان هرات فرار نمودند و سپس با هواپیما به میدان هوایی شیندند و در نهایت به کابل انتقال داده شدند. و این گونه، فرقه هرات به دست افسران جهادی فتح گردید.

رژیم بی خدایان فرمان داد و قوای زرهی از قول اردوی قندهار و قوای پیاده از کابل به سوی هرات حرکت کردند و نیروهای این فرقه دوباره تحت قوماندان جنرال خان آغا از جاجی، احیا گردید.

حملات توپ و تانک و هواپیماها در کوچه کوچه شهر هرات ادامه داشت. مردم توسط بمب ساخته شده از مخلوط صابون و پترول، تانک های رژیم را به آتش می کشیدند، لحاف را به پترول آغشته کرده آتش می زدند و از سر بام منازل بالای تانک ها می انداختند و آن ها را آتش می زدند، و میل تانک ها را نیز به نیروی مارتول می کوبیدند.

تلفات مردم بسیار زیاد بود، ولی آن ها به ناچار شهادی خود را شب هنگام به خاک می سپردند؛ زیرا در روز اگر تعدادشان از سه نفر بیشتر می شد، حتماً مورد بمبارد قرار می گرفتند. تعداد شهیدان به سی هزار تن می رسید.

این قیام در ظرف چند ساعت، به... ادامه صفحه ۷

بالاخره هیأت اداری مجلس برگزیده شد



پایان یافت. در دومین روز انتخابات عرفان الله عرفان به عنوان منشی دوم مجلس انتخاب شد. در روز سوم انتخابات نیز صالح سلجوقی به عنوان منشی دوم رای برد.

انتخابات روز گذشته نیز برای پست معاون اول بین وژمه صافی و خالد پشتون و برای پست منشی اول بین زهرا توخی و سید اکرام برگزار شد، اما این انتخابات نیز به دلیل عدم کسب آرای پنجاه جمع یک، بی نتیجه

پس از چهار روز انتخابات، بالاخره روز گذشته، اعضای هیأت اداری مجلس نماینده گان انتخاب شدند. میرویس یاسینی نماینده ننگرهار به عنوان معاون اول، صالح سلجوقی نماینده هرات به عنوان معاون دوم، سید اکرام دیگر نماینده ننگرهار به عنوان منشی و عرفان الله عرفان نماینده کابل به عنوان منشی دوم، انتخاب شدند.

اعضای هیأت اداری مجلس نماینده گان به جز رییس مجلس، هر سال باید مجدداً انتخاب شوند. اما رییس مجلس برای یک دوره پنج ساله انتخاب می شود.

اولین روز انتخابات هیأت اداری مجلس نمایندگان روز شنبه بی نتیجه

کنفرانس اجندای ملی

ریفورم سیاسی و ایجاد صلح پایدار در افغانستان

با در نظر داشت اوضاع جاری در افغانستان و نزدیک شدن سال ۱۳۹۳ / ۲۰۱۴ زمان خروج نیروهای بین المللی از کشور، و به منظور بهبود روند جاری در افغانستان، بنیاد شهید احمد شاه مسعود بنا بر مسوولیت ملی خویش و به سلسله تلاش های پیگیرش، به هدف ایجاد نزدیکی و تفاهم میان نخبگان کشور در محور یک اجندای ملی، تدویر یک نشست بین الافغانی را در نظر دارد.

بدین منظور، از همه نخبگان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور که به خاطر جستجوی راه حل ملی تلاش فراوان داشته اند، ارادتمندانه تقاضا داریم که از اشتراک و سهم گیری خویش در این نشست، دفتر مرکزی بنیاد شهید مسعود را قبلاً اطلاع دهند.

دفتر مرکزی بنیاد شهید احمد شاه مسعود

ایمیل و شماره های تماس:

awmasoud@hotmail.co.uk - ۰۷۰۰۰۵۰۰۰۰

rowzana@yahoo.com - ۰۷۰۰۲۷۷۷۸۱

mandegar.daily@gmail.com - ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰

۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲

روزنامه ماندگار برای سال آینده خورشیدی مشترک می پذیرد



برای دانشجویان و اساتید دانشگاه

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی

شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی

یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی

سه ماهه - ۱۰۰ دالر

شش ماهه - ۲۰۰ دالر

نه ماهه - ۳۰۰ دالر

یک ساله - ۴۰۰ دالر



روزنامه

نارسیده به منزل یا دفاتر

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی

شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی

یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی

شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی

یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۶۰